

## نقد و بررسی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان

### شرکت کنندگان:

۱. خانم فرزانه اخوت: نویسنده و ویراستار فرهنگنامه
۲. آقای نصرالله افاضل: عضو شورای اجرایی، ویراستار و نویسنده فرهنگنامه
۳. آقای دکتر ابراهیم افشار زنجانی: عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان
۴. خانم دکتر نوش آفرین انصاری: دبیر شورای کتاب کودک و عضو شورای اجرایی فرهنگنامه
۵. آقای مجید بلوچ: طراح گرافیک و مسوول آماده سازی نهایی فرهنگنامه
۶. آقای مهندس علی پازوکی: ویراستار نهایی علمی فرهنگنامه
۷. آقای دکتر عباس حرّی: استاد دانشگاه تهران و مشاور فرهنگنامه
۸. خانم مهرناز خراسانچی: عضو گروه اطلاع رسانی فرهنگنامه
۹. استاد بهاء الدین خرمشاهی: از مشاوران قدیم فرهنگنامه در مقالات اسلامی
۱۰. خانم مهسا خسروی: عضو گروه ترویج فرهنگنامه
۱۱. خانم نسرین دخت عماد خراسانی: کتابدار و عضو شورای اجرایی فرهنگنامه (دبیر جلسه)
۱۲. استاد کامران فانی: کتاب شناس و مشاور غیردائم فرهنگنامه کودکان و نوجوانان
۱۳. خانم پروین فخاری نیا: ویراستار، سرپرست جلد و عضو شورای اجرایی فرهنگنامه
۱۴. خانم ایران گرگین: ویراستار ارشد فرهنگنامه
۱۵. آقای یحیی مافی: عضو هیأت مدیره شورای کتاب کودک و عضو هیأت مدیره شرکت فرهنگنامه
۱۶. آقای اسفندیار معتمدی: مؤلف کتاب های فیزیک و عضو گروه فیزیک فرهنگنامه
۱۷. خانم توران میرهادی: عضو هیأت مدیره شورای کتاب و دبیر اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان

### سرفصل های میزگرد:

۱. معرفی اجمالی فرهنگنامه
۲. بررسی پیشینه فرهنگنامه و کتاب های مرجع کودکان و نوجوانان در ایران و جهان
۳. بررسی اجرای روش طرح، از مدخل یابی تا انتشار
۴. ساختار مقالات مدخل ها و تصاویر
۵. بررسی منابع بکار برده شده (ترجمه و تألیف)
۶. نویسندگان و ترکیب آنها
۷. شیوه نگارش و ویرایش
۸. نحوه پشتیبانی از فرهنگنامه (دولتی یا غیردولتی)
۹. مقبولیت و استقبال عمومی پس از انتشار
۱۰. ترجمه فرهنگنامه به زبان های دیگر



سابقهٔ دائرة المعارف نویسی برای کودکان و نوجوانان\*

تدارک دانشنامه‌های کوچک و بزرگ الفبایی، یعنی انواع دائرة المعارف‌های امروزی، امری بالنسبه جدید و متعلق به سال‌های پس از نیمهٔ قرن هجدهم میلادی است. در این میان تدارک دائرة المعارف‌های مخصوص کودکان بسیار جدیدتر است. ظاهراً اولین دائرة المعارف کودکان همانی است که در سال ۱۹۰۸ تحت عنوان *The Children's Encyclopaedia* در انگلیس منتشر شده بود. همین دائرة المعارف از سال ۱۹۱۲ به بعد تحت عنوان دانشنامه (*The Book of Knowledge*) در ۲۰ یا ۲۴ جلد (۴/۰۰۰/۰۰۰ کلمه) در امریکا و تحت عنوان دائرة المعارف نوجوانان (*Encyclopedia de la jeunesse*) در فرانسه انتشار یافت. دائرة المعارف مصور کامپتون (*Compton's Pictured Encyclopedia*) که در سال ۱۹۲۲ در ۱۵ جلد (۷/۷۰۰/۰۰۰ کلمه) منتشر شد، علاوه بر آن که یک مجموعهٔ مرجع دبستانی و دبیرستانی بود، اطلاعاتی نیز در زمینهٔ امور و مسائل آموزشی و زندگی خانوادگی در اختیار اولیای دانش‌آموزان قرار می‌داد. کار انتشار دائرة المعارف‌های کودکان و نوجوانان در غرب آنچنان رونق یافت که حتی یکی از این دائرة المعارف‌های انگلیسی‌زبان که در سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۸ برای مخاطبان و خوانندگان دبیرستانی تدارک شده بود، یک طبع یا تحریر بریل نیز مخصوص دانش‌آموزان نابینا عرضه کرد. دائرة المعارف مشهور بریتانیکا نیز که از سال ۱۷۶۸ دایره بوده و انتشار می‌یافته، از سال ۱۹۳۴ با تکیه بر یک دائرة المعارف دیگری دائرة المعارف نوجوانان منتشر کرد که از ۱۹۴۷ طبع جدید و کامل شدهٔ آن در ۱۵ جلد (۵/۰۰۰/۰۰۰ کلمه) برای خوانندگان دورهٔ ابتدایی انتشار یافت؛ این دائرة المعارف از سال ۱۹۶۳ تحت عنوان منتشر *Britannica Junior Encyclopedia* منتشر می‌شد و مطالب آن هر ساله تکمیل و تجدید نظر می‌شد. دائرة المعارف کودکان بریتانیکا (*Children's Britannica*) نیز در سال ۱۹۶۰ در ۱۲ جلد، و دائرة المعارف نوجوانان آکسفورد (*Oxford Junior Encyclopedia*) در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۴ ایضاً در ۱۲ جلد منتشر شد؛ برای این دائرة المعارف اخیر که موضوعی بود در سال ۱۹۵۶ یک مجلد فهرست علی‌حده تهیه شد. طبع امریکایی این دائرة المعارف اخیر در سال ۱۹۶۴ انتشار یافت.

**عماد خراسانی:** هدف این نشست برگزاری یک محفل علمی در مورد فرهنگنامهٔ کودکان و نوجوانان است، نخستین دائرة المعارف تألیف شده‌ای که برای مخاطب کودک و نوجوان در ایران به چاپ رسیده و از مقطع سنی ۱۰ تا ۱۶ سال را به طور رسمی در برمی‌گیرد. در عین حال علاقه‌مندان زیادی خواهان استفاده از این فرهنگنامه هستند. از نکته‌هایی که باید در مورد این فرهنگنامه بیان کرد، این است که این اثر از نوع دائرة المعارف‌های عمومی مفصل است که به صورت هدفمند مخاطب خاص خود را دارد. تاکنون نهمین جلد این فرهنگنامه به چاپ رسیده است. مؤلف این فرهنگنامه «شورای کتاب کودک» است و توسط شرکت نشر فرهنگنامه منتشر می‌شود. اخیراً متوجه شدیم که جلد دهم آن هم زیر چاپ رفته است و امیدواریم به زودی در





میرهادی :  
بخش بزرگی از کار  
فرهنگنامه روی دوش  
نیروهای داوطلب است

فرهنگنامه کودکان و نوجوانان جدول کار داوطلبانه و کارپرداختی  
در جلد های ۷ و ۸ و ۹

جلد	جمع همکاران	کار داوطلبانه	کارپرداختی	کار داوطلبانه درصد کارپرداختی
هفتم	۱۷۷	۱۵۳ نفر	۲۴ نفر	٪۱۳/۵۵
هشتم	۱۶۰	۱۳۰ نفر	۳۰ نفر	٪۱۸/۷۵
نهم	۲۰۵	۱۶۵ نفر	۴۰ نفر	٪۱۹/۵۱

منبع: شورای کتاب کودک

اختیار کتابخانه‌ها، کودکان و نوجوانان، صاحبان خرد و علاقه‌مندان قرار بگیرد. کم و بیش از طریق اخبار و اطلاعات رسانه‌ها، و با نقدهای که بر آن شده است با شکل، نوع و هدفمندی فرهنگنامه آشنا هستیم. افرادی که امروز دعوت کتاب ماه کلیات را پذیرفته‌اند، از یک سو شامل گروهی از دست‌اندرکاران تولید فرهنگنامه و از سوی دیگر گروهی شامل فرهیختگان، اساتید، صاحب‌نظران و کتاب‌شناسان کشورمان هستند.

این جلسه در قالب ده سرفصل که در دعوت نامه آمده، تلاش می‌کنند که به کالبدشکافی نقاط قوت و ضعف فرهنگنامه کودکان و نوجوانان بپردازد.

در ابتدا از سرکار خانم میرهادی تقاضا دارم در مورد پیشینه فرهنگنامه و فراز و فرودهای آن صحبت‌های مقدماتی را بفرمایند.

میرهادی: من سعی می‌کنم خیلی مختصر در این باره صحبت کنم، زیرا ما بیشتر علاقه‌مند هستیم از نقدها و راهنمایی‌های اساتیدی که در اینجا هستند بهره‌مند شویم. فکر تهیه فرهنگنامه به سال ۱۳۴۲ برمی‌گردد. در اولین سمینار ادبیات کودک و نوجوان که در زمستان همان سال توسط «شورای کتاب کودک» برگزار شد، فکر تهیه فرهنگنامه کودک و نوجوان شکل گرفت. تلاش فوق‌العاده‌ای به عمل آمد تا ناشران و مؤسسات دانشگاهی که بودجه کافی برای انجام این کار را داشتند فعال شوند، به عنوان مثال با «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» مذاکره شد. با این حال تا سال ۱۳۵۸ تنها توانستیم در کشورمان فرهنگنامه کودکان تألیف برتا موریس پارکر را ترجمه کنیم، که البته نظر شورای کتاب کودک را برای تهیه یک فرهنگنامه مناسب برای کودکان این سرزمین تأمین نکرد. به این ترتیب در سال ۱۳۵۸ «شورای کتاب کودک» همراه با شور ابتدای انقلاب مسؤولیت این کار را پذیرفت و با بودجه اندکی که داشت کار خود را شروع کرد. این یک داستان بی‌پایان است، زیرا می‌توان شروعی را برای فرهنگنامه متصور شد، ولی پایانی بر آن نیست. ویرایش‌های بعدی و تغییرات دائمی را باید انجام داد. ما سه شانس بزرگ در تهیه این کار عظیم داشتیم، نخست اینکه از هدایت کتابداران زبده این مملکت و استادان کتابداری بهره‌مند بودیم؛ دیگر آنکه دوستانی



**انصاری :**

علی رغم اینکه در مورد  
کودک بسیار صحبت  
می‌کنیم، اما کودک را به  
رسمیت نمی‌شناسیم،  
متولی جدی که به فرهنگ  
کودک و بهداشت روانی  
کودک بپردازد، وجود  
ندارد

بودند که سال‌ها برای کودکان و نوجوانان قلم زده بودند و در مرکز تهیه مواد خواندنی کار می‌کردند، مثل آقایان جهانشاهی، شریف‌زاده، محمود محمودی، اسماعیل سعادت و خانم گرگین در انجام این کار بزرگ به ما پیوستند؛ و سوم این که کار در جریان کل ادبیات کودک قرار گرفت. با یک پیش‌بینی و طراحی که بیشترین زحمت آن را مرحوم جهانشاهی کشیدند و در راهنمای نویسنده و ویراستار آمده است، کار شروع شد. گروهی آرام‌آرام آماده می‌شدند تا طرز نوشتن مقالات فرهنگنامه‌ای را تجربه کنند و ساده‌نویسی را اصل کار خود قرار دهند. طرح برای کودکان ۱۰ تا ۱۶ سال آغاز بکار کرد و قدم به قدم، از انتخاب مدخل‌ها تا به امروز پیش‌رفته است. اکنون بعد از ۲۵ سال ما به خودمان این اجازه را داده‌ایم که ۴ خط موازی تألیف داشته باشیم که به صورت هماهنگ، با کمی تأخیر، چهار جلد را همزمان پیش ببریم و بتوانیم آن را برای نشر به ناشر بسپاریم. در اینجا باید به چند نکته اشاره کنم: بخش بزرگ کار فرهنگنامه روی دوش نیروهای داوطلب است و گروهی که اندک حقوقی دریافت می‌کنند. این گروه صرفاً به منظور هماهنگ کردن کل کار این مجموعه داوطلب و رساندن مقالات به مرحله نهایی مشغول به همکاری هستند. نکته دوم این که، در خلال کار تدوین فرهنگنامه ما تجربیاتی اندوختیم که به ما نشان داد که باید به طور مداوم سطح نویسنده را بالا ببریم و توان علمی او را افزایش دهیم. بنابراین در این زمینه به یک مؤسسه آموزش مداوم تبدیل شدیم که با کار مشورتی پیش می‌رود. در این زمینه کتاب ارزشمند راهنمای نویسنده و ویراستار را تألیف کردیم. نکته آخر این که در ابتدا فرهنگنامه در پانزده جلد طراحی شد، اما در حال حاضر به دلیل مقتضیات علمی و نیاز کودک و نوجوان امروزی، ما به این نتیجه رسیده‌ایم که فرهنگنامه کمتر از ۲۵ جلد نخواهد شد. گاه فکری کنیم، اگر همراهی و همدلی بزرگان، فرهیختگان و عامه مردم نبود، شاید در این چند سال متوقف می‌شدیم.

**عماد خراسانی:** سرکار خانم انصاری، لطفاً پیشینه‌ای پیرامون فرهنگنامه نویسی برای کودکان را مطرح بفرمایید.

**انصاری:** خانم میرهادی به نکته بسیار مهمی اشاره کردند و آن حضور کتابداران در همه مراحل تهیه



خرمشاهی:

مدخل‌ها باید تا حرف «ی»  
روشن باشد و به اطلاع  
۱۰۰ نفر با دیدگاه‌ها و  
پیشینه‌های مختلف برسد  
تا آنها جا افتادگی‌ها را  
متذکر شوند

فرهنگنامه است. شاید آن گروهی که بیش از همه ارزش کتاب مرجع را در کلیت آن می‌فهمند، و در کار تطبیق و پیشرفت کتاب مرجع در جهان نقش دارند، کتابدارها هستند.

کتابدارها خیلی خوب احساس می‌کنند، کتاب مرجع چه اهمیتی دارد. در کتابخانه‌ها هم کتابدارها هستند که قدر کتاب مرجع را در زمینه پاسخگویی می‌دانند. این آشنایی، طبعاً توانایی را در کتابداران بوجود می‌آورد که سنجشی نسبت به وضعیت فرهنگنامه در مقایسه با آثار مشابه بعمل آورند. من فکر می‌کنم فرهنگنامه از جهات مختلف یک اثر منحصر بفرد است. تا آنجایی که آگاهی دارم کتاب‌های مرجع در سراسر جهان توسط مؤسسات انتشاراتی تهیه و منتشر می‌شوند. در حقیقت ویژگی فرهنگنامه این است که در شورا تهیه می‌شود و شورا ناشر نیست. به این ترتیب مؤلف بهتر می‌تواند به بُعد علمی، پژوهشی و کیفی فرهنگنامه بپردازد. این یکی از ویژگی‌های خاص این اثر است که در مؤسسات انتشاراتی پدید نمی‌آید. ویژگی دوم که برای کشور ما مسأله بسیار مهمی است، کودک‌محوری اثر است. ما علی‌رغم اینکه در مورد کودک بسیار صحبت می‌کنیم، اما کودک را به رسمیت نمی‌شناسیم، متولی جدی که به فرهنگ کودک و بهداشت روانی کودک بپردازد، وجود ندارد. با این توصیف‌ها اگر این کار در شورا که بر اساس ایمان، عشق، علاقه و کار داوطلبانه شکل گرفته است، انجام نمی‌شد تا این حد موفق نبود. مطمئن باشید که اگر فرهنگنامه تا به این لحظه پیش رفته و تا ۱۰ جلد حاضر رسیده، به دلیل انتساب به شورا به عنوان یک نهاد غیردولتی و حضور این نیروی داوطلب بزرگ در مجموعه فعالیت‌های شورا است، که از این نظر تجربه بسیار ارزشمند و مهمی است. عماد خراسانی: خانم میرهادی در لابه‌لای صحبت‌هایشان اشاره‌ای به راهنمای نویسنده و ویراستار کردند، اگرچه این اثر برای همکاران فرهنگنامه مورد وثوق و شناسایی است، اما برای آشنایی بیشتر از خانم فخاری نیا تقاضا دارم توضیحاتی را اضافه فرمایند.

فخاری نیا: راهنمای نویسنده و ویراستار تألیف مرحوم ایرج جهانشاهی است و گمان می‌کنم اولین راهنمای نویسنده‌گی برای فرهنگنامه است، که در آن اهداف، ویژگی‌های فرهنگنامه، تفاوت آن با فرهنگنامه‌های دیگر، مسائل اصلی ساده‌نویسی برای کودکان و نوجوانان، شیوه‌نامه نوشتن و خط‌گردآوری شده است.

غیر از این اثر کتاب صدویک نکته را هم داریم، که راهنمای نوشتن مقاله برای فرهنگنامه از مرحله طراحی تا پایان مقاله است که در آن تمام مراحل مورد نیاز فرهنگنامه کاملاً رعایت شده است. ما در آموزش گروه‌هایی که به ما می‌پیوندند از آن استفاده می‌کنیم و نیز نویسندگان و ویراستاران برای هماهنگی و یک‌دستی بیشتر مقاله‌های فرهنگنامه از آن استفاده می‌کنند.

عماد خراسانی: یکی از انتقادهایی که به فرهنگنامه وارد شده است، نداشتن شیوه‌نامه است، با توجه به اینکه شما از وجود یک شیوه‌نامه خبر می‌دهید، در صورت امکان سال انتشار آنها را بفرمایید.

فخاری نیا: کتاب راهنمای نویسنده و ویراستار در سال ۱۳۶۳ توسط مرحوم جهانشاهی، و صدویک نکته در سال ۱۳۶۷ توسط دکتر محمد هدایی فراهم و چاپ شده است.

عماد خراسانی: در صحبت‌های خانم میرهادی به بخش دیگری از موضوعی که در دعوت‌نامه پیش‌بینی شده بود، یعنی بررسی روش اجرای طرح، از مدخل‌یابی تا انتشار به صورت مجمل اشاره شد، حال به این بخش می‌پردازیم. با ذکر این نکته که نباید تصاویر را از یاد ببریم، چون با توجه به مدخل‌ها و مقاله‌نویسی، ممکن است بخش اعظم فرهنگنامه که تصاویر هستند نادیده گرفته شود. استاد خرمشاهی بفرمایید.

خرمشاهی: صحبت خودم را با ترجمه‌ای از یک شعر معروف عربی شروع می‌کنم:



فانی:

دو مسأله حجم و زمان بسیار مهم است، زیرا براساس این دو مقوله است که می‌توان در مورد تعداد مدخل اظهار نظر کرد

روغن گنجد زلالینه  
برسرش سنگ آسیا چرخید  
که بس آسوده دل به شیشه نشست  
که چنین صاف و پاک گشت که هست

زمان بندی و حجم شناسی خیلی مهم است، مخاطب شناسی تا حد زیادی انجام شده است و البته انتقاداتی در این زمینه وارد است. مدخل یابی و اینکه ما از کجا مطمئن باشیم مدخل هایی که ما آورده ایم بهترین هاست، از موضوعات بسیار مهم است.

در بریتانیکا مدخل «بریتانیکا» داریم، زیرا ۲۵۰ سال قدمت دارد و ۱۵ ویرایش عظیم در آن انجام شده است. دوستان در مورد شیوه نامه فرهنگنامه صحبت کردند، شیوه نامه در مورد صورت و شکل و مقام و ساختار آن صحبت می‌کند، ولی به ما نمی‌گوید در مورد چه بنویسیم، این به عهده مدخل نامه است. ما مدخل نامه لازم داریم، مدخل ها باید تا حرف «ی» روشن باشد و به اطلاع ۱۰۰ نفر با دیدگاه ها و پیشینه های مختلف برسد تا آنها جافتادگی ها را متذکر شوند. به عنوان مثال آنها بگویند مدخل سازمان ملل نمی‌خواهیم یا برعکس بگویند هر روز کودکان و نوجوانان مدخل سازمان ملل را از رسانه ها می‌شنوند و می‌بینند پس بسیار ضروری است. بنده در طی دو روز گذشته تعدادی مدخل را به کمک فرزندانم تهیه کرده‌ام، البته انتقادات من به فرهنگنامه درون گروهی است و از سر دلسوزی می‌باشد. به عنوان مثال آرسن لوپن مقاله ندارد. آذر یزدی، مهدی نیست (زنده بودن نباید گناه خیلی بزرگی باشد!) آبگوشت نیامده، آب تتی به شنا ارجاع داده نشده است و خودش هم مقاله ندارد، مدخل «آرایش» وجود ندارد، در حالی که جزو زندگی امروز است. اُدکلن (چیزی است که روزمره با آن سروکار داریم)، بیماری های واگیر داریم، بدنسازی نداریم، باشگاه نداریم (باشگاه چه هست و چه ساختاری دارد یا چند نوع باشگاه داریم). بابانوئل نداریم، باید بابانوئل را مانند عمو نوروز داشته باشیم. پلو نداریم، برنج را با مطالب عالی در مورد صادرات و واردات و عکس های زیبا داریم.

نمی‌دانیم چرا به خوراکی ها و هر ورزشی که به بچه ها مربوط می‌شود یک بی توجهی دیده می‌شود، مثلاً بستنی، پالوده، بیسکویت، پشمک نداریم؛ بوکس، برف، باران، پلنگ و پیری داریم. استخر را نداریم، آسیاب، آبیاری، افراسیاب را داریم. آدم آهنی، آدم برفی و پارو زنی نداریم. پول را داریم که مقاله بسیار خوبی است. جامعه جنگ زده ما، مدخل اندام مصنوعی را لازم دارد، برای اینکه بسی جوان و نوجوان داریم که از اندام های مصنوعی استفاده می‌کنند. آشیانه، آبرنگ به عنوان هنر، آجیل، ادراکات فراحسی را نداریم، درباره پروانه و پرچم مقالات خوبی دارید.

آنجایی که ناراحت کننده بود این که بشقاب پرنده نبود، اما تخت جمشید بود. از نظر من صرف نظر از داوری ارزشی، آمدن بشقاب پرنده به اندازه تخت جمشید اهمیت دارد.

حال ببینیم چاره کار چه هست، اینها شکاف هایی است که در فرهنگنامه بوجود آمده است. چاره کار این است که مدخل نامه داشته باشیم و گروه گزینش مدخل. از همین حالا هم اگر شروع کنیم دیر نشده است که برای گذشته مُستَدْرک ساخته شود و برای آینده مقاله.

عماد خراسانی: استاد فانی نظر شما چیست؟

فانی: هر نوع تصمیم گیری در مورد مدخل یابی یا هر موضوع مربوط به دائرة المعارف بستگی به تصویری دارد که از کل برنامه و طرح دارید. شما اگر از قبل تصویری از حجم دائرة المعارف، حجم مقالات، پرمدخل یا کم مدخل بودن مقالات آن و زمان انجام طرح نداشته باشید، نمی‌توانید تصمیم بگیریید چه مدخلی بیاید و یا در چه حجمی باشد، زیرا تصمیم گیری ها در این شرایط مبتنی بر تصادف است. این فرهنگنامه از دید من باید از ابتدا تصمیم می‌گرفت که به عنوان مثال ۵۰۰۰ مقاله متوسط تا ۵۰۰ کلمه ای داشته



**افشار زنجانی :**  
**فرهنگنامه نیاز به**  
**مدخل‌های بیشتر ندارد،**  
**بلکه احتیاج دارد که تعریف**  
**و زمان بندی شده اعمال**  
**شود، و ویرایش اول به**  
**انتها برسد و هر نوع**  
**گسترش در ویرایش‌های**  
**بعدی صورت پذیرد**

باشد. بر این مبنا آن وقت می‌توانست مدخل انتخاب کند. هر کسی می‌تواند یک مقدار مدخل انتخاب کند و این می‌تواند تا ۱۰۰۰۰۰ پیش برود. قبل از آن، تصمیم‌گیری در مورد تعداد مدخل‌ها مشکل است. در عین حال هیچ دایرةالمعارفی نمی‌تواند ادعا کند، تمام مدخل‌ها را در ویرایش اول آورده است. من فکر می‌کنم برآوردهای اولیه در مورد حجم این دایرةالمعارف دقیق نبوده است. اما دو مسأله حجم و زمان در این مورد بسیار مهم است، زیرا براساس این دو مقوله است که می‌توان در مورد تعداد مدخل اظهار نظر کرد. در صورت مکتوب شدن اینها می‌توان در مورد باقی قضایا به نتیجه رسید.

پازوکی: در مورد اینکه مدخل‌ها چگونه انتخاب می‌شود، هیأت اجرایی داشتیم که ساعت‌های زیادی در نشست‌های متعدد به نقد و بررسی آنها می‌پرداخت. در ابتدا قرار بود ۵۰۰۰ مدخل انتخاب شود، ولی بعدها به تدریج تعداد مدخل‌ها افزایش یافت. ما گمان می‌کردیم بتوانیم در عمر خودمان فرهنگنامه را به اتمام برسانیم. من همین‌جا پیشنهاد می‌کنم که چون این فرهنگنامه باروندی که طی می‌کند از سی جلد هم بیشتر می‌شود، مقداری که لازم است به مدخل‌ها بیفزاییم و نگران تمام شدن فرهنگنامه در دوران طول عمر شروع‌کنندگان آن نباشیم. با جوانانی که هم اکنون در فرهنگنامه داریم من این امید را دارم که نسل بعدی فرهنگنامه را با موفقیت به اتمام می‌رساند.

افشار زنجانی: من می‌خواهم مجدداً دغدغه‌سال‌های پیشین خود را بیان کنم. من معتقدم فرهنگنامه نیاز به مدخل‌های بیشتر ندارد، بلکه احتیاج دارد که تعریف و زمان بندی شده به همان ترتیبی که آقای فانی فرمودند اعمال شود، و ویرایش اول به انتها برسد و هر نوع گسترش در ویرایش‌های بعدی صورت پذیرد. این طور نباشد که هر چه زمان می‌گذرد به جای اینکه به حرف «ی» نزدیک شویم از آن دور شویم. من یاد می‌آید که هنگامی که اولین جلد فرهنگنامه بیرون آمد در نقدی که بر آن نوشتیم، عنوان کردم با این ترتیب که حرف «آ» در یک جلد آمده است، لااقل باید این فرهنگنامه ۲۷ یا ۲۸ جلد بشود. امروز مسلماً از سی جلد هم بیشتر خواهد شد. همان طوری که آقای فانی در روزنامه شرق عنوان کردند، این دغدغه تمام دایرةالمعارف‌های بزرگ داخلی است، از جمله سه دایرةالمعارف اسلامی که انتهای آنها نامشخص است. باید انتهای کار معلوم باشد، زمان آن مشخص باشد و کار تعریف شده باشد. ما از آنهایی که سنت‌های دیرینه‌ای در انتشار آثار اینچنینی دارند باید درس بگیریم. برای *World Book Encyclopedia* فکر نمی‌کنم امکان پذیر نباشد که آن را در ۲۰۰ جلد منتشر سازد، یا بریتانیکا را در ۳۰۰ جلد. هنر آنها این است که آن را محدود نگه می‌دارند و علی‌رغم آنکه آن را به روز می‌کنند حجم آن را افزایش نمی‌دهند. پیشنهاد و نظر من این است که ما باید کارهایمان را عقلانی‌تر کنیم، بدین معنی که آنها را با توانایی‌هایمان، زمان و مکانی که در آن هستیم متناسب کنیم. این چارچوب را بر آن بگذاریم و همان طوری که آقای فانی گفتند نخواهیم در ویرایش اول همه چیز و همه مدخل‌ها به نحو کامل باشند و حرف آخر را اول بزنیم. همان طوری که می‌دانید دایرةالمعارف بریتانیکا ۲۵۰ سال طول کشید تا به جایگاه امروزی برسد.

خرّی: مدخل‌یابی و بحث مدخل‌گزینی اگر مهم‌ترین بحث دایرةالمعارف نباشد، یکی از عناصر اصلی آن است، زیرا تعیین‌کننده ساختار است. بنابراین اگر بتوانیم بیشتر از سایر بخش‌ها به آن وقت اختصاص دهیم، اشکالی پیش نمی‌آید. مدخل‌یابی، یا ساختار تهیه مدخل سیاست ماست، این را به درستی آقای فانی اشاره کردند. سیاست است که تعیین می‌کند ما چند مدخل داشته باشیم، مقالات کوتاه، زیرمدخل‌ها هم متأثر از سیاست‌گذاری‌ها می‌باشد. بنابراین در ارزش‌گذاری اینکه چه مدخلی در این دایرةالمعارف آمده است، صرف ملاحظه ترتیب الفبایی مدخل‌ها کفایت نمی‌کند، باید رفت در درون مقالات به عنوان مثال دید آیا



گرگین:

اضافه شدن تعداد  
مدخل‌ها کار را به اتمام  
نمی‌رساند، اصل، درست  
نوشتن مقاله است

### بیست و هشت گروه تخصصی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان

آموزش و پرورش	روان‌شناسی
اخترشناسی	ریاضیات
ادبیات ایران باستان	زمین‌شناسی
ادبیات جهان	زیست‌شناسی
ادبیات فارسی	شیمی
اسلام	علوم سیاسی
اقتصاد	فلسفه
بناهای تاریخی	فیزیک
پزشکی	کشاورزی، گیاه‌شناسی و جانورشناسی
تاریخ ایران	مردم‌شناسی و فرهنگ عامه
تاریخ جهان	مهندسی
جامعه‌شناسی	هنر
جغرافیای ایران	محیط‌زیست
جغرافیای جهان	ورزش

آبگوشته آمده، اما به صورت زیر مجموعه یا اینکه اصلاً بحث آن مطرح نشده است. زیرا ممکن است سیاست فرهنگنامه بر این قرار گرفته باشد که اصلاً مدخل مستقل نباشد، بلکه در مدخل غذاها بیاید.

نکته‌ای که باید عرض کنم این است که پایان دقیقی را نمی‌توان برای کار فرهنگنامه متصور بود، البته نه به معنی اینکه پایانی برای آن در نظر نگرفت. دلیل آن هم این است که پیشینه دایرةالمعارف نویسی به شکل امروزی نداریم و به وفور تبعات این کم داشتن را می‌توانید ببینید. اینکه افرادی که در حوزه دایرةالمعارف نویسی هستند و در انواع دایرةالمعارف‌ها حضور دارند، دلیلی بر کمبود افراد متخصص است. در باب سیاست‌گذاری هم این قضیه صادق است.

آقای پازوکی در شورای اجرایی عنوان کردند که دوست داشتم ابتدا در مورد انتخاب یک مدخل مطالعه اولیه صورت می‌گرفت تا هر چه تعداد مجلدات فرهنگنامه افزایش می‌یابد، در جلد‌های جدیدتر، تعداد مدخل‌های پذیرفته شده نیز در آن لیست هم افزایش یابد. این بدین معنی است که احساس می‌کنند چیزهایی را در گذشته در آن جلد‌ها از دست داده‌اند که باید به آن اضافه شود. اشاراتی که آقای خرمشاهی کردند مربوط به آن جلد‌ها و مدخل‌هایی است که بعداً احساس کردند اینها را از دست داده‌اند و به درستی باید در ویرایش‌های بعدی ملاحظه شود یا دست‌کم در سیاست کار مدنظر قرار گیرد. در مجموع همان‌طور که اشاره کردم این سیاست کار است که تعداد مدخل و حجم فرهنگنامه را تعیین می‌کند.

گرگین: کار من چون ویراستاری مقالات است، می‌خواستم این نکته را اضافه کنم که اضافه شدن تعداد مدخل‌ها کار را به اتمام نمی‌رساند، اصل درست نوشتن مقاله است. حالا اگر مرتب حجم مدخل‌ها را افزایش دهیم و آن را به نسل‌های آینده هم بسپاریم، شاید زیاد درست نباشد. آقای آیتی یکی از دوستانمان در جایی می‌گفتند خوب است فرهنگنامه از حرف «ی» هم شروع شود تا در یک جایی حروف به هم برسند. به جای آن نیرویی که صرف برخی از مدخل‌ها می‌کنیم که زیاد ضروری هم نیست، بهتر است دقت بیشتری در مقالات و ویراستاری آنها داشته باشیم. مشکل ما این است که متخصص خیلی خوب نوشتن نداریم، متخصص خوب



**میرهادی:**  
در ارتباط با مخاطب،  
فرهنگنامه را به شکل های  
گوناگون با نیازها تطبیق  
می دهیم و سعی داریم  
پاسخگوی نیازهای نسلی  
باشد که فرهنگنامه برای  
آن ها طراحی شده است

ویراستاری کردن نداریم، اضافه کردن مدخل های انتزاعی که نوشتن را خیلی مشکل می کند، کاری منطقی به نظر نمی رسد.

**خرمشاهی:** من نمی گویم جنگل مولا درست کنیم و مثل مینی بوس، هر جا که رسید مسافر سوار کنیم بدون اینکه به گنجایش آن توجه کنیم. حرف من این است که دانشنامه ما درشت بافت است، یعنی مقالات آن بلند است. ما باید آن را ریز بافت کنیم، یعنی از حجم مقالات بکاهیم و بر تعداد آنها بیفزاییم تا جا برای مدخلی مثل بشقاب پرنده باشد. بحث من این نیست که بدون برنامه مدخل ها را افزایش دهیم، بلکه باید مدخل گزینی کنیم و گروهی برای انتقاد از مدخل ها داشته باشیم.

**انصاری:** نکته ای که من می خواهم به این موارد اضافه کنم این است که فرهنگنامه حاصل آموزش، پژوهش، تفکر و بسیاری اتفاقات دیگر است، و خود آن در حقیقت این تحول را در جامعه پدید می آورد که جامعه خودش جست و جوگر شود.

فرهنگنامه فرد را از لحاظ پرسش سیراب می کند، ولی فکر نمی کنم لازم باشد که خودش به همه عطش ها و پرسش ها پاسخ بدهد. وقتی که این احساس را در نسلی بوجود آورد که می شود سؤال کرد و در برابر آن سؤال پاسخ را پیدا کرد، آن نسل گستاخی جست و جوگر شدن را پیدا می کند. این باعث می شود کودک و نوجوان بسیاری از مدخل هایی را که از طریق انواع رسانه ها می بیند و می شنود دنبال کند و راه هایی را برای رسیدن به پاسخ ها بدست آورد.

**میرهادی:** برای پاسخ به دوستان عرض می کنم، از ابتدای کار، بزرگانی که در کار فرهنگنامه نویسی بودند هدایت ما را برعهده گرفتند. مدخل های ما از حرف «الف» تا حرف «ی» تهیه شد، کسانی که این مدخل ها را تهیه کردند دایرةالمعارف های موجود را می شناختند و غالباً متخصصان رشته های مختلف بودند، مثلاً فیزیکیان ها مدخل های فیزیک، شیمی دان ها مدخل های شیمی، تاریخ دان ها مدخل های تاریخ را پیشنهاد کردند. این گروه های کاری متخصص، در مجموع تعدادی مقاله مادر را که ما در اصطلاح فرهنگنامه ای به آنها مقالات ستاره دار می گوئیم تهیه کردند که می تواند بلند باشد و در دل خودش بچه های بسیاری داشته باشد که جواب بسیاری از سؤالات را پاسخ دهند. بعد به مقاله های دیگر درجه ۱ تا ۴ که درجات آنها بیانگر تفاوت حجم آنهاست توجه شد، مقالات شماره ۴ کوتاه ترین مقالات فرهنگنامه هستند. پس ما مدخل گزینی مان را در آغاز کار تا حرف «ی» انجام داده ایم، یک بار بازبینی کرده ایم درجه همه مقالات و رشته های تخصصی کاملاً مشخص است. هر جلد فرهنگنامه که وارد مرحله کار می شود بازنگری مدخل های آن براساس پیشنهاد های گروه های تخصصی مجدداً انجام می گیرد. باید توجه داشت که تعدادی از مقاله جلد های مختلف تا حرف «ی» با استفاده از همین مدخل نامه سفارش داده شده و نوشته شده است.

برای روز آمد بودن مقالات و نقدهای نوشته شده، تغییرات علمی روز، یا مباحث بزرگی که در این زمان مطرح است مورد توجه قرار داده می شود. این جریان مداوم، از طریق پیشنهاد های متخصصان، نویسندگان، ویراستاران و شورای مشورتی کودکان و نوجوانان انجام می پذیرد. راه و روش دیگری که پیش گرفته ایم بوجود آوردن پیوست و نمایه است. در پیوست مقالاتی که از قلم افتاده اند، آورده می شوند. مقالاتی که زمان بر آن ها گذشته است و اطلاعات آن ها قدیمی شده است، نیز به روز می شوند.

به عنوان نمونه کشور افغانستان را در سه مرحله داریم، افغانستان اصلی را در جلد سوم، افغانستان روز آمد شده را در جلد پنجم و افغانستان امروزی را در جلد دوازدهم در دست کار داریم. به نحوی که در ۲ تا ۳ پاراگراف اطلاعات جدید را در مورد تغییر و تحولات افغانستان خواهیم آورد.



عماد خراسانی:

یکی از موضوعات مهم در مورد فرهنگنامه ساختار مقالات است و یک قاعده و قانون باید در این زمینه بر روح فرهنگنامه حاکم باشد

باید توجه داشته باشیم که ما به بچه‌های این سرزمین جواب می‌دهیم و چون اطلاعات مورد نیاز آن‌ها مد نظر ماست، گروه‌های مختلف مدام با آموزش و پرورش، جامعه و شورای مشورتی در ارتباط هستند، برای اینکه بتوانند نیازهای جدید را شناسایی کنند.

امروز، موضوع جهانی شدن مسأله روز است. متخصصان به ما گفتند جهانی شدن را باید در جلد دهم بیاوریم. ما شورای مشورتی را دعوت کردیم، و انتظار نداشتیم بچه‌ها به این مسأله توجه داشته باشند، اما آنچه آن‌ها به عنوان سؤال مطرح کردند و موضوع‌هایی که جواب آن‌ها را می‌خواستند، دقیقاً همان‌هایی بود که متخصصان هم آن‌ها را ناشی از شرایط جهانی شدن می‌دانند. بدین ترتیب ما در ارتباط با مخاطب، فرهنگنامه را به شکل‌های گوناگون با نیازهایی که از طریق آموزش و پرورش، جامعه و مسائل مهم جهانی بوجود می‌آید، تطبیق می‌دهیم و سعی داریم فرهنگنامه پاسخگوی نیازهای نسلی باشد که فرهنگنامه برای آن‌ها طراحی شده است.

افزایش مدخل‌های ما بسیار محدود است. مواردی پیش می‌آید که احساس می‌کنیم در یک زمینه باید بازنگری کنیم. مثلاً ما احساس کردیم در زمینه معرفی بزرگان ایران در عصر جدید باید یک نگاه مجدد داشته باشیم. کار مطالعاتی انجام گرفت، همه دوستان در این زمینه اظهار نظر کردند و شورای اجرایی فرهنگنامه مجدداً این اظهارات را بازبینی کرد و از بین کل پیشنهادات، تعدادی را که می‌بایست در فرهنگنامه معرفی بشوند را انتخاب و به عنوان مدخل اضافه کرد.

این آزادی همواره به گروه‌های تخصصی داده شده تا نسبت به حذف و اضافه کردن مدخل پیشنهاد بدهند، ولی اگر کل مدخل‌های فرهنگنامه را در نظر بگیریم، این اتفاق کمتر از ۵ درصد است و به بدنه اصلی فرهنگنامه کاری ندارد. مثلاً آبگوشت که در غذاها به آن اشاره می‌شود، بشقاب پرنده که در مقاله فضانوردی می‌آید و یا نیاز به مدخل اتومبیل رانی چون تقاضای بچه‌هاست و اضافه می‌شود. به این ترتیب ما مقالاتی را به «پیوست»، نمایه و یا تنه اصلی فرهنگنامه اضافه می‌کنیم.

**عماد خراسانی:** یکی از موضوعات مهم در مورد فرهنگنامه ساختار مقالات است، برخی مقالات کوتاه و برخی بلند هستند، در برخی از مقالات اطلاعات خاصی تزریق می‌شود، و برخی از یکدستی و هماهنگی خاصی پیروی می‌کنند. در نهایت باید یک قاعده و قانون در این زمینه بر روح فرهنگنامه حاکم باشد. در ضمن بر اساس چه اصولی برخی مدخل‌ها تصاویر فراوان دارد و برخی دیگر دارای جدول و شرح هستند. این ویژگی‌ها در کل، ساختار مقالات را به طور کمی و کیفی تشکیل می‌دهند که تقاضا می‌کنم از آقای دکتر افشار در مورد روش کار در این زمینه صحبت نمایند.

**افشار زنجانی:** در این زمینه شورا و سواس بی‌نهایتی از خود نشان داده است و دارای ساختار مشخص دایرةالمعارفی بوده است. بدین ترتیب که در آغاز هر مقاله اگر چند پاراگراف است، پاراگراف اول و اگر یک پاراگراف است، جمله اول، نقش خلاصه‌کننده را به عهده دارد که در سراسر فرهنگنامه رعایت شده است. از این لحاظ کار فرهنگنامه در اوج است. با همکاری کوتاه مدتی که سال‌ها پیش در گروه تاریخ داشتیم، مشاهده کردم که چگونه خانم میرهادی و کمیته‌های تخصصی قالب این مسأله را کنترل می‌کردند که نویسندگان به میل خود عمل نکنند. از لحاظ تصاویر هم تصاویری که در این فرهنگنامه وجود دارد از تصاویر *World Book Encyclopedia* که دایرةالمعارف نوجوانان انگلیسی زبان است، بسیار غنی‌تر است. دیدن تصاویر نقش آموزش دهنده بسیار بالایی دارد. از این بیشتر نمی‌توان انتظار داشت. فرهنگنامه از فرهنگنامه‌های مشابه اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. یک ضرب‌المثل انگلیسی می‌گوید: «It is too good to be true»

تعداد کل مدخل‌ها، مقاله‌های مربوط به ایران،  
تصاویر و نقشه‌ها در جلد‌های ۱ تا ۱۰ فرهنگنامه

۱۷۲۸	تعداد مدخل‌ها
۴۰۰	تعداد مقاله‌های مربوط به ایران
۳۲۷	تعداد نقشه‌ها
۳۷۳۹	تعداد تصاویر

منبع: شورای کتاب کودک



حری:

ماهیت فرهنگنامه این را  
می‌طلبد که پویا باشد و  
هم پای واقعیت‌های  
جدید اجتماعی به  
نیازهای جدید کودکان و  
نوجوانان پاسخ بگوید

یعنی آن قدر خوب است که باور کردنی نیست».

حری: حقیقت آن است که ما اینجا جمع نشده‌ایم که از فرهنگنامه تعریف کنیم. به طور یقین این برخورد مورد قبول «شورای کتاب کودک» نمی‌باشد، غرض آن است که با حضور افراد متخصص نقاط ضعف و قوت فرهنگنامه ارزیابی شود و واقعیت‌ها را باید گفت. اخیراً در بررسی‌ای که در درون خود فرهنگنامه انجام شده، بدین نتیجه رسیده‌اند که تجدیدنظری در باب حجم تصاویر فرهنگنامه نسبت به حجم متن و مقاله‌ها انجام شود. احساس من این است که فرهنگنامه یا به پای تولید مجلدات جدید به پختگی و بلوغ بیشتری رسیده است. من قدری با صحبت‌های خانم میرهادی که گفتند مدخل‌ها را بسیار کم تغییر داده‌اند مخالفم. من اصلاً فکر نمی‌کنم این برای دائرةالمعارفی که تا جلد دهم آن ۲۵ سال زمان سپری شده است، نکته مثبتی باشد. چون اگر در این مدت ما دستی در فرهنگنامه نبردیم، بدین معنی است که در طی این ربع قرن تحولی صورت نگرفته است. ماهیت فرهنگنامه این را می‌طلبد که پویا باشد و همان طور که آقای خرمشاهی گفتند هم پای واقعیت‌های جدید اجتماعی به نیازهای جدید کودکان و نوجوانان پاسخ بگوید. نکته‌ای که در مجموع ساختار فرهنگنامه می‌خواهم بدان اشاره کنم، بحث زبان فرهنگنامه است.

بعد از چند جلد اول مرتب با این بازخورد مواجه می‌شدیم که فرهنگنامه به سمت بزرگسال حرکت می‌کند، مخاطب خود را دارد، فراموش می‌کند، زبان آن دشوار شده است. از مباحثی صحبت می‌کند که در حد درک نوجوان نیست و حتی این مسأله به گونه‌ای نمود پیدا کرد که شورای اجرایی فرهنگنامه قصد داشت یک بازنگری در تمام عناصر و اجزای فرهنگنامه انجام دهد. تحولات دهه اخیر در ایران و جهان باعث شد نوجوانان ما در رویایی بارسانه‌ها، هم سطح درک آن‌ها و هم سطح شناخت زبانی‌شان بالا برود. به همین دلیل امروز اگر فرهنگنامه را در اختیار نوجوان قرار دهید، دیگر دچار دشواری در درک آن نمی‌شود. این شرایط نشان می‌دهد که اگر همین زبان فعلی در آن دخل و تصرفی نشود، قابلیت انتقال پیام را به خوبی دارد. آن استفاده جانبی افراد بزرگسال که آقای دکتر افشار عنوان کردند، برای هر متنی اتفاق می‌افتد. در مجموع من زبان فعلی فرهنگنامه را به عنوان یک نقطه مثبت، کاملاً با درک زبانی نسل مخاطب آن هماهنگ می‌دانم.

**عماد خراسانی:** چون مقوله تصویر هم مسأله بسیار مهمی است، از آقای بلوچ که تمام مسؤولیت‌های تصویری فرهنگنامه را در اختیار دارند، تقاضا دارم در خصوص اهمیت تصویر و مشکلات و زحمات شایسته آن صحبت کنند و به خصوص در مورد ضعف کیفیت تصویر و هم چنین کم‌رنگ بودن نقش آن در برخی از جلد‌ها! **بلوچ:** فرهنگنامه از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول که اساتید در مورد آن صحبت کردند



**بلوچ:**

تصویر در این اثر، دو نقش اساسی دارد، یکی کمک به تفهیم مطالب و دیگری افزایش جاذبه فرهنگنامه

و بخش دوم تصویر است. تصویر در این اثر، دو نقش اساسی دارد، یکی کمک به تفهیم مطالب و دیگری افزایش جاذبه فرهنگنامه. کار تهیه و جمع‌آوری تصاویر کار بسیار طاقت‌فرسایی است که گروه‌های مختلف مدام به دنبال آن بوده‌اند. از تصاویر تهیه شده تعدادی کیفیت بالایی داشتند که از آن‌ها استفاده شده است، تعداد زیادی هم فاقد کیفیت لازم بوده‌اند که ما مجبور شده‌ایم در آتلیه آن‌ها را بازسازی کنیم.

در بخش گیاهان بخصوص، کیفیت عکس‌ها بسیار پایین بود. بنابراین ما مجبور شدیم، تصاویر را نقاشی کنیم. امروز اگر به این بخش نگاه بیندازید، بسیار خوش‌آب و رنگ و چشم‌نواز است به طوری که ناشر می‌تواند این مجموعه را به صورت کتابی مستقل منتشر کند، بقیه بخش‌ها هم کم و بیش به این صورت است. در مورد صحبت‌های آقای دکتر حری در مورد زیاد بودن تصاویر باید بگوییم، ما اگر به تدریج به عقب برگردیم و صفحات جلد‌های پیشین را ورق بزنیم متوجه می‌شویم جاذبه آن کمتر است. از نظر اینکه فرهنگنامه دارد به سمت افراد بزرگسال حرکت می‌کند، این هم اصلاً اشکالی ندارد. این کتاب همچون یک بنیاد فرهنگی، کتاب مرجعی برای بچه‌ها، والدین و معلمان می‌باشد. بدین ترتیب سعی من بر این است که تصاویر تهیه شده بزرگ‌تر، گویاتر و مفیدتر باشند.

**عماد خراسانی:** آیا هیچ وقت پیش آمده تصویری اشتباهی چاپ شود؟

**بلوچ:** در طول این ۱۶ - ۱۷ سال دوبار این اتفاق افتاده است که بلافاصله در چاپ بعدی هم مقاله و هم تصویر را اصلاح کردیم.

**عماد خراسانی:** برای آن‌هایی که فرهنگنامه چاپ شده با تصاویر اشتباه را خریده‌اند چه کاری انجام داده‌اید؟

**بلوچ:** حقیقت این است که کار زیادی جز یک اطلاعیه نمی‌توان کرد. اما در مورد پاسخ به گله‌های ابراز شده درباره کتاب سال ۸۳ چاپ جلد نهم باید بگوییم که یکی دو فرم با کیفیت پد چاپ شده که این مسئله هم به دلیل عجله برای نمایشگاه در هنگام چاپ اتفاق افتاد و به اصل تصاویر مربوط نبود که امیدواریم در چاپ دوم اصلاح گردد.

**انصاری:** می‌خواستیم به وجود چند سند اشاره کنم، یکی اینکه بر روی روند تألیف مقاله، انتخاب نقشه، انتخاب تصویر و زیرنویس‌ها در فرهنگنامه کار مستند انجام شده است. نکته دیگر اینکه، در طی زمان و بر اثر رشد فرهنگنامه بسیاری از مقالات دارای طرح مشخص شده‌اند و بر اساس طرح تألیف می‌شوند. بنابراین همان‌طور که آقای دکتر افشار اشاره کردند، مقاله‌ها با استفاده از طرح‌های از پیش آماده شده تهیه می‌شوند. این حاکی از به بلوغ رسیدن یک جریان است. در مورد تصویر یا مسائلی همچون اندازه مقاله‌ها چند پژوهش در فرهنگنامه در حال اجرا است. باید توجه داشته باشیم، ارزش جریانی مثل فرهنگنامه یک ارزش تجاری نیست، بلکه ارزش والای فرهنگی است. بنابراین برای هر مشکلی در این راه پاسخ را باید در پژوهش جست و جو کرد و به هیچ وجه نمی‌توان ناگهان تصمیم‌گیری کرد و به نتیجه رسید. در این زمینه‌ها به عنوان نمونه پژوهش‌هایی زیر نظر خانم فخاری نیا در مورد دشواری زبان در فرهنگنامه و بلند شدن مقاله‌ها انجام شده و پژوهشی زیر نظر خانم قزل‌ایاغ در مورد تصویر در فرهنگنامه مطرح است. آیا تصویری که فرهنگنامه می‌دهد باید تکرار متن باشد؟ آیا باید نو باشد؟ چند درصد باید نو باشد؟ چگونه می‌شود از تصویر تزیینی دوری کرد؟ تمام این‌ها پرسش‌هایی است که در فرهنگنامه مطرح می‌شود و قبل از پاسخ بر روی آن پژوهش می‌شود. خوشبختانه هم‌اندیشی‌های ماهانه در مورد مسائل فرهنگنامه این امکان را بوجود می‌آورد که دوستان (بین ۳۰ - ۴۰ نفر) نظرات خود را متذکر شوند و به نتایج جمعی برسیم. در مورد تصویر، بررسی‌هایی هم در



**فخاری نیا:**  
ترجمه صرفاً از یک منبع  
صورت نمی پذیرد، بلکه  
از چندین منبع ترجمه  
انجام می شود و اطلاعات  
لازم گزینش می گردد و  
متن دوباره بازآفرینی  
می شود

دائرة المعارف های مشابه خارجی در ارتباط با محتوا و تصاویر مقالات و اندازه های تصاویر و غیره... انجام شده است. در سال های اخیر آرشیو تصویر ما توسعه پیدا کرده است، بیش از بیست هزار رکورد (Record) در رایانه داریم و گروه های مختلف می توانند تصاویر مورد نظرشان را جست و جو کنند.

این که تصاویر در چه زمانی و توسط چه کسانی انتخاب شود، هنوز بحث هایی وجود دارد. این گرایش در فرهنگنامه مطرح است که انتخاب تصاویر مقاله را خود نویسنده انجام دهد، ولی اکثر نویسندگان دید تصویری نسبت به متن ندارند، یعنی خواندن تصویر را جزو خواندن متن نمی دانند. وقتی از آن ها خواسته می شود ۵ تا ۱۰ تصویر در ارتباط با مقاله بدهند، نویسنده دچار مشکل می شود. ما در زمینه منابع تصویری در مورد ایران هم دچار مشکل هستیم، این مشکلات زنجیره ای به هم متصل هستند. گرچه گرایش بر انتخاب تصاویر توسط نویسنده است، اما فرهنگنامه باید گروه تصویر داشته باشد - که دارد - در کنار نویسنده در انتخاب تصویر همکاری کنند. در طی زمان اتفاق مهم دیگری هم در فرهنگنامه افتاده است. به بلوغی رسیده ایم که اقدام برای تألیف جمعی می شود، این اتفاقی منحصر بفرد در جامعه ما حائز اهمیت است. در همان جریان تألیف جمعی است که تکلیف تصویر هم روشن می شود. آنچه مسلم است ما هر چه بیشتر جست و جو کنیم و پژوهش های بیشتری در این زمینه ها انجام دهیم، موفق تر خواهیم بود.

عماد خراسانی: دو نکته در صحبت های خانم انصاری وجود داشت: نخست کار گروهی و دیگری منابعی که باید به آن ها توجه شود. استفاده از منابع چه به صورت متن چه به صورت تصویر تا چه اندازه است؟ در این بین چه سهمی تألیف دارد و چه سهمی را ترجمه به خود اختصاص داده است؟ در حال حاضر دائرة المعارف هایی در کشور وجود دارد که مستقیماً ترجمه است؟ آیا در فرهنگنامه استفاده مستقیم از ترجمه می شود؟ در مورد عکس ها آیا عکس های استفاده شده از منابع صرفاً به صورت عکس مستقل است؟ یا اینکه از منابع چاپ شده آن ها هم استفاده شده است؟ در صدر عایت امانت داری تا چه میزان است؟ در این خصوص در صورت امکان خانم فخاری نیا صحبت را آغاز نمایند تا در ادامه دوستان دیگر هم آن را تکمیل کنند.

**فخاری نیا:** در واقع برخی از مقاله ها ترکیبی از تألیف و ترجمه است. در بخش مربوط به ایران بیشتر تألیف صورت می پذیرد، در بخش مربوط به علوم که خاستگاهش جهان غرب است و هم چنین جغرافیای جهان عمدتاً مقاله ها به صورت ترجمه است. منتها ترجمه صرفاً از یک منبع صورت نمی پذیرد، بلکه از چندین منبع در مورد یک موضوع ترجمه انجام می شود و اطلاعات لازم گزینش می گردد و متن دوباره بازآفرینی می شود. در واقع همه مقاله ها چند منبعی است. استخراج مطالب مقالات ترجمه ای براساس طرحی است که در فرهنگنامه تدوین شده است و براساس آن حدود ۵۰ درصد مقالات در قالب این طرح تهیه می گردند. اینکه بیشتر از ۵۰ درصد مقالات ما طرح مشترک دارد، باعث می شود شیوه دسترسی به اطلاعات برای بچه ها آشنا و آسان گردد. ممکن است براساس اهمیت مدخل اندازه مقاله کوتاه و بلند گردد، ولی مقالاتی که طرح مشترک دارند، صرف نظر از اندازه دارای شکل مشابهی نیز هستند. مقالاتی هم که طرح مشترک ندارند، برای آن ها نیز طرح دائرة المعارفی در نظر گرفته شده است. همان طور که آقای دکتر افشار به آن اشاره داشتند، بند اول خلاصه متن است و سپس گسترش آن در بندهای دیگر دنبال می شود.

در مورد تصاویر فرهنگنامه، ما از ابتدا در مقدمه جلد اول و در نشست های متعدد نقش تصویر را برای دائرة المعارف تعریف کرده ایم. در آن تعریف و چارچوب سعی کرده ایم تصاویر را بگنجانیم، ولی مشکل اصلی ما در این زمینه دسترسی به تصاویر مناسب و نداشتن بودجه کافی برای هزینه کردن در این بخش است. استفاده از آنچه که موجود و قابل دسترسی است، یکی از محدودیت های جدی فرهنگنامه است، با اینکه



**معتمدی:**

تلاش ما این است که  
مجموعه مطالب علمی  
در کتاب‌های درسی به  
همراه مطالب علمی  
جدید در مجلات  
تخصصی، به علاوه  
مراجعی را که فرهنگنامه  
در نظر گرفته است با  
توجه به توانایی‌ها و  
آمادگی مخاطب ارائه  
دهیم

می‌دانیم برخی از تصاویر برای فرهنگنامه مناسب نیستند، اما هیچ راه دیگری هم نداریم، با این حال سعی می‌کنیم، شوق انگیز بودن را در تصاویر در نظر بگیریم.

**عماد خراسانی:** خانم فخاری نیا در صحبت‌های قبلی عنوان کردند که بیشتر مطالب مربوط به ایران تألیف شده است، یعنی مطالب ترجمه‌ای هم وجود دارد، چون شما هم نویسنده و ویراستار هستید در این خصوص در صورت امکان توضیحات بیشتری بفرمایید.

**شهیدی:** صحبت‌های خانم فخاری نیا در مورد ترجمه از چند منبع برای من روشن نیست، زیرا در حقیقت تألیف به معنی ایجاد نزدیکی بین چند منبع است. در مورد منابع فارسی هم به همین صورت است. پس ما ترجمه نداریم و آنچه هست تألیفی است با استفاده از چندین منبع مختلف. در مورد ایران هم خوشبختانه یا متأسفانه منابع ما در مورد ایران باستان غربی است. در مورد تخت جمشید، همکاران اصل کتاب اشمیت را خواستند و ما از روی آن منابع کار کردیم. اگرچه منابع جدیدی هم وجود دارد، ولی به قول دخویه شرق شناس هلندی، منابع قدیمی دقت علمی بیشتر از آثار پرمطراق جدید دارند.

**عماد خراسانی:** آقای معتمدی در مورد میزان مقالات که ترجمه شده در حوزه کاریتان که گروه علمی و فنی هست، چه نظری دارید؟

**معتمدی:** مطلع هستم که مفاهیم علمی را همان طوری که خانم شهیدی فرمودند به مقدار زیادی از غرب وام گرفته‌ایم. آخرین تحقیقات جدید هم در هر زمینه‌ای، مربوط به تحقیقاتی است که در غرب صورت گرفته است. مدخل‌هایی که ما در قسمت علوم داریم اکثر آن‌ها به شکلی در کتاب‌های درسی هم اشاره شده است. اما تلاش ما این است که مجموعه مطالب علمی شامل مفاهیمی که در کتاب‌های درسی است به همراه مطالب علمی جدید که غالباً در مجلات تخصصی چاپ می‌شود، به علاوه مراجعی را که فرهنگنامه در نظر گرفته است با توجه به توانایی‌ها و آمادگی مخاطب ارائه دهیم. در این میان فرهنگنامه علاقه‌مند است عده‌ای را برای این گونه مقاله نویسی آموزش دهد.

افرادی که به تازگی آموزش دیده‌اند، کارهای اولیه‌شان همراه با مقداری ناپختگی است که همین امر باعث می‌شود، زحمت بیشتری بر روی آن‌ها کشیده شود. اما نکته مثبت این است که مقالات نوشته شده بر اساس یک معیار تهیه شده‌اند. به عنوان مثال برای یک مقاله بلند مثل «انرژی»، در بند اول آن تعریف و خلاصه متن را داریم. در ادامه، مقاله را طوری نوشته‌ایم که کاربردهای آن مشخص باشند، زیرا مقالات علمی به گونه‌ای نوشته شده‌اند که جنبه علمی صرف نداشته باشند. سپس در پایان تاریخچه‌ای از آن موضوع ارائه شده است.

**خراسانی:** در ابتدای صحبت این مطلب عنوان شد که در کل کار، یک روح کتابداری در فرهنگنامه وجود دارد. بر همین اساس تعدادی سؤال در ذهن من ایجاد شد. یکی اینکه ارجاعات در فرهنگنامه دیده نمی‌شود. دیگر اینکه آوانگاری که صورت گرفته بر چه اساسی است؟ به عنوان مثال آندرسن و آندرسن که در شوربا یک نگارش و در فرهنگنامه با نگارش دیگر بکار برده می‌شود. به عنوان یک استفاده‌کننده فرهنگنامه، وقتی به دنبال مدخل آبگوشت می‌گردم باید ارجاعی وجود داشته باشد که بدانم در غذا به دنبال آن بگردم. هم چنین از کجا بدانیم «انیشیتین» در فرهنگنامه چگونه نگاشته شده است و اگر صورت دیگری در جایی دیگر دیده باشیم، آیا ارجاعی در فرهنگنامه لحاظ شده است؟

کتاب‌هایی که ما کتابدارها با آن‌ها کار می‌کنیم مثل مستند مشاهیر و سرعنوان‌های موضوعی، در انتهای اسم فرد، ابتدا سال تولد و بعد سال وفات قید می‌گردد، منتهی در فرهنگنامه عکس این قضیه دیده می‌شود،

**انصاری:**  
**برای پیشرفت حوزه**  
**غیرداستان چه به صورت**  
**تألیف و تحقیق یا ترجمه**  
**باید برنامه ریزی و حمایت**  
**جامعی از سوی دولت**  
**صورت گیرد**

آیا ما در حال خواندن یک متن فارسی در برخورد با اعداد باید آن را به صورت ریاضی بخوانیم؟  
**فانی:** دائرةالمعارف‌های کوچک و پرمدخل، ارجاع نمی‌دهند یا زیر متن قسمتی برای مطالعه بیشتر ندارند، اما در مورد فرهنگنامه عظیم کودکان و نوجوانان چرا از روز اول سعی نشده است در زیر مدخل یک مقدار منابع برای مطالعه بیشتر ارائه شود؟ بخصوص که در ایران، امکان دسترسی به مطالب محدود است و اگر کسی علاقه‌مند است که درباره آن موضوع مطالب بیشتری بداند باید به کجا مراجعه کند؟ برای مخاطب بهتر است که در زیر مدخل تعدادی منبع برای مطالعه بیشتر در دسترس داشته باشد.

**انصاری:** به نظرم طرح مورد (۵) در دعوتنامه یعنی ترجمه نادرست است. ما در حقیقت هیچ ترجمه‌ای در فرهنگنامه نداریم. فرهنگنامه با استفاده از منابع گوناگون به زبان‌های مختلف دنیا تألیف می‌شود. ترجمه یک تعریف فنی خاص دارد، یعنی برداشت کامل و درست یک‌سند از یک‌زبان به زبان دیگر. حتی در یک خط فرهنگنامه هم نمی‌توان چنین چیزی را نشان داد. اساساً جریان علم در جهان به همین ترتیب استفاده از منابع است.

**حری:** من احساس می‌کنم این پرائنتر ناظر بر مقاله نیست، ناظر بر منابع است. یعنی منابعی که استفاده می‌کنید تا چه حد تألیف هستند و تا چه حد ترجمه، هدف آن است که بدانیم منابع مورد استفاده فرهنگنامه ایرانی است یا فرنگی.

**انصاری:** پاسخ به این سؤال برمی‌گردد، به تشخیص پژوهشگر در مورد اسنادی که مورد استفاده قرار می‌دهد. در مورد بحث آقای فانی باید عرض کنم از ابتدا هم بحث منابع و آوردن آن‌ها برای مطالعه بیشتر مطرح بود. با توجه به این‌که برای گروه سنی ۱۰-۱۶ سال از سال ۱۳۴۱ «شورای کتاب کودک» آثار چاپ شده در ایران را بررسی می‌کند، یکی از ضعیف‌ترین حوزه‌های تألیف حوزه غیرداستان است. شورا این موضوع را مدنظر داشت، چند بار هم آزمایش شد که منابعی در پایان مدخل آورده شود، اما به دلیل فقدان منبع مناسب امکان پذیر نبود. منابع برای پژوهش بزرگسال را هم صلاح ندیدیم بگذاریم. به همین دلیل در حقیقت به جای زنجیره اتصال به سایر کتاب‌ها با نوعی انقطاع روبه‌رو هستیم.

نکته دیگر این‌که منابع غیرداستان صرفاً ترجمه‌ای است. در این شرایط یک تضاد بوجود می‌آید. از یک طرف از کودک و نوجوان می‌خواهیم با فرهنگنامه ایرانی آشنا شود، از سوی دیگر منابع توصیه‌شده برای مطالعه اکثراً ترجمه خواهد بود. در بسیاری از موارد منبع مناسبی هم وجود ندارد. برای پیشرفت حوزه غیرداستان چه به صورت تألیف و تحقیق یا ترجمه باید برنامه‌ریزی و حمایت جامعی از سوی دولت صورت گیرد.

با وجود این راه پژوهش بسته نیست. می‌توان با یک تحقیق به طور نمونه ۵۰ مدخل را آزمایش کرد که آیا می‌توان منابعی برای مطالعه بیشتر در مورد آن‌ها ارائه داد؟ راه حل پیشنهادی من این است که علاقه‌مندان به عنوان همراه مطالعاتی از فهرست‌های شورا استفاده کنند. در مورد سؤال خانم خراسانچی هم، چون فرهنگنامه در بستر تفکر کتابداری نوین بوجود آمده، به نظرم باید کتابدار خودش جست‌وجوگر باشد. نمی‌توان ذهن کودک و نوجوان را با تراکم ارجاع خسته کرد. برای بچه‌کسالت‌بار است که دائماً از مدخلی به مدخل دیگر ارجاع داده شود و آن مدخل هم هنوز چاپ نشده باشد.

**خراسانچی:** سؤال من این است که چند درصد از کتابدارها می‌توانند به بچه‌ها جواب بدهند و چند درصد از بچه‌های مادر کنار دست خود کتابدار دارند؟ من در محل کار خود و برای فرزندانم جست‌وجو انجام می‌دهم. این در حالی است که می‌بینم این بچه‌ها به تنهایی نمی‌توانند به پاسخ‌های مورد نیاز خود برسند. در صورتی که ارجاع وجود داشته باشد این ذهنیت که من نمی‌توانم این مطلب را در فرهنگنامه پیدا کنم از بین می‌رود.

**حری:**  
با حذف منابع، مسؤولیت  
بزرگی متوجه فرهنگنامه  
می‌گردد، زیرا حجیت  
مقاله مستند بر چیزی  
نیست، مگر بر خود  
فرهنگنامه



در صورت وجود ارجاع، بچه می‌داند در جایی می‌تواند پاسخ خود را بیابد، ولی عدم ارجاع یک بن بست ایجاد می‌کند.

**عماد خراسانی:** از آقای دکتر حری درخواست می‌کنیم در مورد ارجاعات و مقوله نمایه در فرهنگنامه که به گونه‌ای با بحث فوق ارتباط دارد، صحبت کنند.

**حری:** همان طور که برای حجم مقالات هر مدخل، سیاستی تدوین می‌شود، برای دامنه ارجاع‌ها هم سیاستی تدوین شده است. آن سیاست اجازه نمی‌دهد ما آن قدر به موارد جزئی بپردازیم که به سمت چیزی شبیه نمایه حرکت کنیم. نظر خانم خراسانچی، ارجاعات کلان است. در مورد موضوع دیگر که بحث منابع است، پیشاپیش بگویم که هرگز نمی‌توانید برای دائرةالمعارف کودکان و نوجوانان در ایران نه مأخذ بدهید و نه می‌توانید برای مطالعه بیشتر معرفی کنید.

در تعدادی از کشورها به دلیل گستردگی منابع به راحتی می‌توانند ارجاع بدهند. با توجه به این که در فرهنگنامه از منابع متعدد فارسی، انگلیسی، فرانسه، عربی و دائرةالمعارف‌های بزرگسالان استفاده می‌شود، بالطبع بحث ارجاع منتفی است. با حذف منابع مسؤولیت بزرگی متوجه فرهنگنامه می‌گردد، زیرا حجیت مقاله مستند بر چیزی نیست، مگر بر خود فرهنگنامه. در نتیجه نوجوانی که از آن استفاده می‌کند این را وحی منزل می‌داند. مسؤولیت یک مقاله فاقد مأخذ به مراتب بیش از مقاله دارای مأخذ است، زیرا در حالت دوم به مرجع اصلاح ارجاع داده می‌شود.

در بحث معرفی برای مطالعه بیشتر، موضوع این است که اگر ما بخواهیم منابعی را برای مطالعه بیشتر ارائه بدهیم با همین سطح علمی، چیزی در فارسی نداریم. در مورد منابع به انگلیسی، نوجوانان ما مسأله زبان دوم دارند، بنابراین این مسأله هم عملی نیست. البته این بدان معنی نیست که نتوان در مورد آن تحقیق کرد و به جواب علمی رسید.

**فخاری نیا:** برای شناخت بهتر جمع حاضر و خوانندگان از نویسندگان و ویراستاران فرهنگنامه فکر می‌کنم باید سازمان فرهنگنامه را معرفی کرد. در این ۹ جلد در ۱۶ صفحه اول، از صفحه ۹ تا ۱۲ سازمان فرهنگنامه معرفی شده است که شورای اجرایی را با ۱۲ عضو نشان می‌دهد، این افراد دبیر اجرایی یعنی خانم میرهادی را همراهی می‌کنند.

بعد از این ویراستاران ارشد خانم میرهادی و خانم گرگین راداریم که همه مقالات فرهنگنامه از تأیید ایشان می‌گذرد. دو عضو دیگر شورای اجرایی خانم انصاری و آقای دکتر حری که با سمت مشاور دبیر اجرایی کلیه مقالات فرهنگنامه را بازبینی می‌کنند. عضو دیگر شورای اجرایی آقای مهندس پازوکی از جلد اول بررسی نهایی صحت علمی همه مقالات فرهنگنامه را به عهده دارد. بیش از ۳۰ ویراستار در رشته‌های مختلف ویرایشی، بیش از ۱۰۰ نویسنده را در ۲۸ گروه تخصصی همراهی می‌کنند. ۴۰ مشاور متخصص در رشته‌های



**فخاری نیا :**  
**نیروی محرکه این کار**  
**داوطلبانه عشق به**  
**کودکان این سرزمین**  
**است که از اعتقاد به**  
**ترویج علم و تفکر علمی**  
**و پاسخگویی به نیاز**  
**کودکان و نوجوانان این**  
**سرزمین، منشأ گرفته**  
**است**

مختلف تخصصی به صورت دائم یا موردی، محتوای بسیاری از مقاله‌های فرهنگنامه را کنترل می‌کنند. در جلد ۹ فرهنگنامه ۱۴۳ نویسنده و ویراستار همکاری کردند. نام بسیاری از این افراد در جلد‌های دیگر فرهنگنامه هم می‌بینیم. در یک نگاه کلی ویراستاران و نویسندگان فرهنگنامه دارای تحصیلات عالی هستند که از این میان یک دوم تا دوسوم دارای تحصیلات دکتری و فوق لیسانس و بقیه درجه کارشناسی از رشته‌های مختلف تخصصی دارند.

آنچه نویسندگان و ویراستاران این فرهنگنامه را از انواع مشابه آن متمایز می‌کند، علاوه بر تخصصی بودن برای کودکان و نوجوانان، اشتغال در کار داوطلبانه است. ۸۵ تا ۹۰ درصد کار نویسندگان و ویراستاران فرهنگنامه در طی این ۲۶ سال به صورت اهدایی و بدون هیچ‌گونه دریافت مالی بوده است. نیروی محرکه این کار داوطلبانه عشق به کودکان این سرزمین است که از اعتقاد به ترویج علم و تفکر علمی و پاسخگویی به نیاز کودکان و نوجوانان این سرزمین، منشأ گرفته است. ویژگی دیگر فرهنگنامه این است که کار تدوین مقاله‌ها و ویرایش‌ها ادغامی ارزشمند از دوشیوه است. کار فردی و کار گروهی که بیشتر گرایش به کار گروهی است. مقاله‌های پایه را افراد می‌نویسند، ولی حتماً نویسندگان در جلسات مختلف از کمک‌ها و پیشنهادهای گروه‌های تخصصی استفاده می‌کنند. میزان مشارکت و کار گروهی در رشته‌های مختلف متفاوت است. ویرایش علمی ساختار بیانی و زبانی و شکل صوری هم بیشتر به شیوه مشارکتی می‌باشد. این کار که در گروه‌های ۲ تا ۳ نفره انجام می‌شود، بسیار ویژه و موفق است. این کار مشارکتی برای همکاران فرهنگنامه که بسیار جوان می‌باشند و تجربه کمی دارند، چندین حسن دارد. یکی انتقال دانش از افراد باتجربه به افراد تازه به گروه پیوسته یا کم تجربه، به صورت آموزش ضمن کار و دوم تضعیف حس تعلق به نوشته پایه که به صورت طبیعی در نویسنده وجود می‌آید و هنگام ویرایش و اصلاح نهایی در همه فرهنگنامه‌ها اشکال ایجاد می‌کند. در نهایت استفاده از خرد جمعی هنگام تألیف و ویرایش است که منجر به پربار شدن کار می‌گردد، بسیار مهم است. این‌ها منظر و چشم‌اندازی از کار نویسندگان و ویراستاران در فرهنگنامه است.

**عماد خراسانی:** آقای افاضل با توجه به اینکه شما نویسنده، ویراستار و عضو شورای اجرایی هستید، در صورت امکان توضیح کوتاهی در مورد نویسندگی و ویراستاری در فرهنگنامه بفرمایید؟

**افاضل:** من افتخار دارم در دو گروه فیزیک و مهندسی در فرهنگنامه فعالیت می‌کنم. این دو گروه از اعضای متخصص هستند. به عنوان مثال به نحوه فعالیت یکی از این گروه‌ها اشاره می‌کنم. در گروه فیزیک در فواصل زمانی مشخص مثل هر هفته یا هر دو هفته یک بار راجع به موضوع، مدخل و مفاهیم جدیدی که قرار است به مقاله تبدیل شود صحبت می‌شود. نویسندگان گروه با توجه به صحبت‌های انجام شده اقدام به تهیه مقاله می‌کنند. مقاله در جلسات بررسی و پخته‌تر می‌شود و در نهایت برای ویرایش نهایی یا تدوین آماده می‌گردد. در این مرحله تصاویر مورد نیاز پیشنهاد می‌شود و در صورت نیاز از گروه تصویر که برای تمام گروه‌های فرهنگنامه فعالیت می‌کند، کمک گرفته می‌شود. تصاویر ضمیمه مقاله می‌گردد و برای ویرایش نهایی به سرکار خانم میرهادی ارائه می‌شود.

گروه ویرایش هم تقریباً تخصصی است، شامل گروه‌های ویرایش علمی (ساختاری و محتوا) و ویرایش صوری (زبانی و بیانی). برای ویرایش مقاله‌هایی که در زمینه‌های علمی هستند هر هفته جلسه داریم. در این نشست‌ها مقاله را سازمان یافته‌تر می‌کنیم و به شکل فرهنگنامه‌ای درمی‌آوریم. گاهی اوقات مقاله به علت نقایصی به گروه برگردانده می‌شود، در آنجا مجدداً بازبینی شده و پس از انجام اصلاحات لازم، به سرکار خانم میرهادی ارائه می‌شود تا طی مراحل دیگر مورد تأیید نهایی قرار گیرد.

### گرگین :

ارجاع تا حدودی خواننده را جست و جوگر می‌کند، به طوری که هنگامی که ما ارجاعی می‌دهیم که هنوز وجود ندارد، همین باعث می‌شود ذهن خواننده کنجکاو به جست و جوی آن در مقالات دیگر مشغول شود

**عماد خراسانی :** در این جمع گروهی از دست‌اندرکاران فرهنگنامه همچون اعضای گروه مردم‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، گروه تاریخ و گروه اسلام حضور دارند که تقاضا دارم، در مورد نحوه کار خود توضیحاتی بفرمایند؟

**اخوت :** پیوستن به کار تدوین فرهنگنامه برای من به مثابه پیوستن به یک جریان در حال حرکت است که پیوسته منجر به رشد فرد می‌گردد. همکاری با فرهنگنامه باعث می‌شود که اعضای گروه با قرار گرفتن در این جریان دائم خال‌های علمی خود را بیابند، پی به ضعف و ناتوانی‌های علمی خود ببرند و منجر به رشد فرد شود. آخرین امتیاز همکاری با فرهنگنامه برای من این بود که وقتی خانم قزل‌ایاغ [سرپرست جلد ۱۲ فرهنگنامه] اعلام کردند باید نگاهی به تصاویر گروه خود (اسلام و ادیان دیگر) بکنیم، برای من خیلی جالب بود، زیرا همیشه به متن نگاه می‌کردم و تصورم این بود که تخصصی در تصویر ندارم و این کار به عهده گروه تصویر است. اما مرور بر تصاویر این ۹ جلد مربوط به گروه خودمان، برای من بسیار آموزنده بود، زیرا باعث شد گام به گام به رشد بیشتر برسم. این نگاه به تصاویر باعث شد، تخته پرشی برای افراد گروه بوجود آید تا نگاه مجددی به تصویر و تلفیق آن با متن مدخل داشته باشیم و بیشتر در این باره مطالعه کنیم.

**عماد خراسانی :** سرکار خانم گرگین و آقای مهندس پازوکی لطفاً در مورد سبک و سیاق نگارش و ویرایش فرهنگنامه نظرات خود را بیان کنید. با توجه به اینکه شیوه‌نامه فرهنگنامه مربوط به سال‌ها پیش است، آیا خللی در کار فرهنگنامه بوجود نمی‌آورد؟ آیا تغییرات یا نوآوری‌هایی در فرهنگنامه در طی این سال‌ها بوجود آمده است؟ آقایان دکتر حری و دکتر افشار نیز در صورت داشتن انتقاد یا نظری در این زمینه نظرات خود را عنوان نمایند.

**گرگین :** همان طوری که دوستان گفتند مقاله‌ها برای تدوین نهایی به دست ما می‌رسد. خود من قبل از ویراستاری، مقاله نویسی فرهنگنامه بودم و البته این کار را بیشتر ترجیح می‌دهم.

برای مقاله‌ها زحمت بسیاری کشیده می‌شود. مقاله‌های جدید روان تر و سلیس تر نوشته می‌شوند. چند سال پیش مقاله‌ها دارای پرونده بود که هرگاه به آن مراجعه می‌کردیم، واقعاً مقاله از ابتدا تا زمان چاپ، حجمش به اندازه یک پرونده قضایی بود. البته هنوز هم با دشواری‌هایی مواجه هستیم. به عنوان مثال مقالات برخی از گروه‌ها دارای زبان دشواری هستند و برعکس دستورالعمل راهنمای نویسنده و ویراستار و نظر همه ما، به ساده نویسی توجه نمی‌شود و زبان روشن نیست، به طوری که بایستی جمله به طور کلی تغییر کند تا قابل فهم شود. بخشی از این مشکل برمی‌گردد به این که برخی مفاهیم عموماً قابل ساده شدن نمی‌باشند. از نظر من به عنوان یک ویراستار، مفهوم بودن بسیار مهم است. اینکه چیزی گفته شود و کسی نفهمد، چه بوده و برای چه گفته شده است، بی‌فایده به نظر می‌رسد و همه زحمات را به هدر می‌دهد. گاهی اوقات لغات خیلی ساده نمی‌باشد، ولی در مجموع جمله باید قابل فهم باشد و نتیجه آن برای خواننده معلوم و روشن باشد.

بدین ترتیب ما مشکلاتی در بخش ساختار و زبان مقاله داریم که در تدوین نهایی باید اصلاح گردد. آنچه نوشته می‌شود زحمت اصلی آن با نویسندگان و ویراستاران قبلی است، اما چون در نهایت مسؤلیت نوشته متوجه گروه تدوین نهایی است، ما فشار زیادی را تحمل می‌کنیم، زیرا متن و پانویس تصاویر باید از هر جهت صحیح باشد.

موضوع دیگر این است که، گاهی در تدوین به مقاله‌ها به عنوان مرجع نگاه نمی‌شود، بلکه رویکرد در برخی مقاله‌ها تربیتی و آموزشی است که تغییر می‌کند. نکته‌ای که در مورد ساختار مقاله‌ها باید به آن اشاره



**پازوکی :**  
به جوان های همکار در  
فرهنگنامه همواره توصیه  
می کنم که ضمن احترام به  
اساتید و منابع، به هیچ  
یک اعتماد مطلق نداشته  
باشند

کرد این است که گاهی پاراگراف اول که باید چکیده ای از متن باشد، آن قدر طولانی است که مطالب پاراگراف های بعدی تکراری می باشد. این موضوع باعث می شود که حک و اصلاح زیادی در مقاله صورت بگیرد، در حالی که پاراگراف اول باید در یکی دو سطر موضوع را مطرح کند. مسأله دیگر اینکه ارجاع تا حدودی خواننده را جست و جوگر می کند، به طوری که هنگامی که ما ارجاعی می دهیم که هنوز وجود ندارد، همین باعث می شود ذهن خواننده کنجکاو به جست و جوی آن در مقالات دیگر مشغول شود.

**عماد خراسانی:** گلایه هایی که گاهی شنیده می شود این است که نویسندگان معترض اند که چرا امضای آنها زیر مقاله ها نیست و گاهی مطلب آنها به نام ویراستار یا فرهنگنامه چاپ می شود، این مسأله به گونه ای است که گاهی جهت اعتراض به سمت خود شماست، در این زمینه اگر شما و آقای مهندس پازوکی توضیحی دارید، بفرمایید.

**پازوکی:** متأسفانه حتی بسیاری از مقالات من هم به نام دیگران چاپ می شود! واقعیت این است که بخشی که ما مسؤول آن هستیم به همراه خانم گرگین یکی از سخت ترین بخش هاست، در تایید صحت علمی از اساتید یا جوانان برومندی امثال آقای شهبازلو [از نویسندگان و ویراستاران] و مهندس افاضل (که مرا به آینده فرهنگنامه بسیار امیدوار کرده اند) بهره می گیریم. در کار ما بخصوص ویراستاری نهایی در فرهنگنامه های مشابه وجود ندارد یا بسیار کم تر است، چرا که اگر وجود داشت برخی اشتباهات فاحش در بزرگترین فرهنگنامه های کشور، از جمله در دائرة المعارف بزرگ اسلامی تا بقیه مراجع بوجود نمی آمد. (البته من یکی دوبار اشتباهات آنها را تذکر داده ام، آن هم اشتباهاتی که به صورت اتفاقی و سردستی با آنها برخورد کرده بودم. متأسفانه واکنش مثبتی از خود نشان ندادند و حتی راه مرا به برخی جاها سد کردند، یعنی از من کمک نمی گیرند.)

در فرهنگنامه هنگامی که مقاله به دست من می رسد، در هر حال با دیده شک و تردید به آن نگاه می کنم، اگر ما بخواهیم بگوئیم که چون مطلب را از فلان استاد شهیر دائرة المعارف بریتانیکا گرفته ایم پس دقیق است، به خطا رفته ایم. چون حتماً دوستانی که این دائرة المعارف های بزرگ دنیا را مطالعه کرده اند، اشتباهات بسیاری در آن ها دیده اند که البته اشکالی هم ندارد، زیرا به طور طبیعی در هر کاری رخ می دهد.

بنابراین به جوان های همکار در فرهنگنامه همواره توصیه می کنم که ضمن احترام به اساتید و منابع، به هیچ یک اعتماد مطلق نداشته باشند. معمولاً ما از آخرین منابع ورده بندی ها در مقالات استفاده می کنیم. در مواردی مثل گیاه شناسی و جانور شناسی به جدیدترین منابع مورد قبول مراجع علمی جهان که این رده بندی ها را تأیید کرده باشند، توجه داریم. بنابراین از نظر به روز بودن معتقدم فرهنگنامه یکی از بهترین هاست.

ما البته از اینترنت هم استفاده می کنیم. در این مورد مرجع ما سایت های معتبر مراکز علمی یا اشخاص است. در فرهنگنامه همان طور که خانم میرهادی در اولین روزهای همکاری من با ایشان گفتند از ایران به جهان نگاه می کنیم. یعنی مهم ترین مطالب فرهنگنامه، مطالب مربوط به ایران است و نگاه فرهنگنامه ایرانی است. سؤالی که در مورد نحوه تلفظ مطرح شد و به عنوان نمونه تلفظ انیشتین یا انیشتاین، در این حالت مرجع ما آن چیزی است که در ایران رایج است که مخلوطی از انگلیسی، فرانسه، روسی، عربی و غیره است. شخصاً هنگامی که مقاله به دست من می رسد، با دیده شک معمولاً دو تا سه بار آن را مطالعه می کنم. بعد با تکیه به حافظه خود غلط ها گرفته می شود، (که خوشبختانه خوب است) معمولاً خانم میرهادی و خانم گرگین این شیوه را از من قبول نمی کنند، چون مغز من نمی تواند منبع کاملاً قابل اطمینان باشد. بنابراین به ناچار پس از تهیه منبع، آن را در گوشه مقاله ذکر می کنم، تا در این مورد دقت بیشتری بشود. من معتقدم

**حری:**  
شاید نخستین جایی که  
به تربیت نیروی انسانی  
دائرة المعارف نویسی  
پرداخت، فرهنگنامه  
کودکان و نوجوانان و بعد  
دانشنامه جهان اسلام  
بود و سرانجام ما در  
دائرة المعارف کتابداری و  
اطلاع رسانی از آن تبعیت  
کردیم، که هر سه در  
کارشان موفق بودند

فرهنگنامه علی رغم نظر دوستان و همکارانی همچون خانم میرهادی فرهنگنامه بزرگسالان می باشد که با زبان ساده نوشته شده است. استاد خرمشاهی اعتراف کردند که یکی از مراجع مورد استفاده ایشان فرهنگنامه است. با این حال باید سعی کنیم با پربار کردن مقالات از یک سو و ساده کردن مقالات با کمک خانم گرگین بر کیفیت فرهنگنامه بیفزاییم. من این نوید را می دهم که فرهنگنامه، فرهنگنامه ایرانی، برای ایرانی و تألیف ایرانی است و ما نهایت سعی و کوشش خود را برای صحت علمی و روان شدن آن انجام می دهیم. اما در پایان این نکته را عرض کنم که ما نیامده ایم در اینجا جمع شویم و از خودمان تعریف کنیم. انتظار من این بود که دوستان ما را به شلاق انتقاد بکشند تا ما پی به نقاط ضعف خود ببریم، به ما راهکار ارائه بدهند تا در مسیر درست قرار بگیریم و البته در صورت موفق بودن کار ما را تشویق کنند.

**عماد خراسانی:** در پاسخ به صحبت های مهندس پازوکی باید اشاره شود که تعدادی از مهمانان کتاب ماه کلیات بنا به دلایل شخصی موفق به حضور در این جلسه نشدند. البته قرار بود فرهنگنامه کالبدشکافی شود، حالا اگر به تعریف و تمجید رسید خیر است و مبارک از آقای دکتر افشار و دکتر حری تقاضا دارم اگر نظری دارند، بفرمایند تا به بخش پایانی برسیم.

**حری:** من قصد دارم اتفاقی را که هدف اصلی و محوری نبوده، اما به صورت تبعی وارد شده است و اهمیت آن در حد متن دائرة المعارف است، عنوان نمایم. ماسابقه دائرة المعارف نویسی به معنای جدید کلمه نداریم، حتی بزرگانی که اولین مقاله های تألیفی فرهنگنامه را نوشته اند، باز هم تکیه شان بر الگوی متن اصلی تألیف و ترجمه قرار داشت. کسانی که در عرصه تألیف دائرة المعارف هستند، اکثراً صاحب نام و در آرا و نظرات و هم چنین ساختار اندیشه خود بسیار متعصب هستند. از همان بدو ورود من در سال ۱۳۶۳ به جریان دائرة المعارف نویسی با این مشکل آشنا شدم و همانجا بود که فهمیدم دائرة المعارف مثل زورخانه است، یعنی هر کس که قصد دارد وارد آن شود باید سرش را خم کند. ما در دائرة المعارف نمی توانیم صاحب سبک داشته باشیم. دارای نویسندگان بسیار قابلی هستیم، ولی در مونوگراف نویسی (تک نگاری). در دائرة المعارف باید فرد خودش را در جمع مستحیل کند و این کار با جوان ها شروع شد. من می خواهم در اینجا به ارزش فرهنگنامه اشاره کنم. شاید نخستین جایی که به تربیت نیروی انسانی دائرة المعارف نویسی پرداخت، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان و بعد دانشنامه جهان اسلام بود، سرانجام ما در دائرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی از آن تبعیت کردیم، که هر سه در کارشان موفق بودند. چه از لحاظ زمان کوتاهی که مقاله را برای آن هدف خاص می نویسند، چه به لحاظ نیروی انسانی تربیت شده که در آینده ارزش آن مشخص خواهد شد. در بیست سال بعد کسی نمی تواند مدعی باشد که ما سنت نویسندگی دائرة المعارف نداریم.

**افشار زنجانی:** اجازه بدهید به عنوان فردی که عضو فرهنگنامه نیست، به عنوان منتقد نظرات خود را اعلام کنم. نشر فارسی فرهنگنامه، موازین نشر فصیح دائرة المعارفی را رعایت کرده است، به نحوی که در برخورد با فرهنگنامه احساس می کنیم با یک روح واحد در حال گفت و گو هستیم. سبک هیچ کس در آنجا پیدا نیست و این برمی گردد به سیستم ویراستاری قوی که بر آن حاکم است. نشر آن از نشر بسیاری از مقاله نویس ها، کتاب نویس ها و مترجم ها بهتر است. نشر فرهنگنامه روان و فصیح است، جملات اکثراً کوتاه و ساختار دستوری سالم است، مقاله ها مشکلات در دناک مجلات علمی، حرفه ای و تخصصی را ندارند. در مقاله ای که بعد از انتشار جلد اول در روزنامه اطلاعات در ۲۸ آبان سال ۱۳۷۱ برای معرفی فرهنگنامه نوشتم، ویژگی های مثبت زبان و بیان آن را ذکر کردم که تا کنون نیز ادامه دارد. در اینجا قصد دارم مجدداً تحسین و ستایش خود را حضور همکاران اعلام کنم.



مافی :

مسئولان آموزش و  
پرورش باید این را جزو  
وظیفه خود بدانند که  
اولین کتابی که باید وارد  
کتابخانه مدرسه شود  
کتاب‌های مرجع باشد

**انصاری:** نقد کتاب مرجع دشوار است. یک صورت بررسی جامع است که تا حدودی انجام شد. صورت دیگر نقد موضوعی است که وقت و دقت بیشتر را طلب می‌کند. لازم به ذکر است که در «جشنواره مطبوعات اسلامی»، ۱۰ مقاله مربوط به اسلام فرهنگنامه بالاترین جایزه‌ها را دریافت کرده است. این نشان می‌دهد که به صورت موضوعی هم فرهنگنامه موفق بوده است. نکته بسیار مهمی که دکتر افشار به آن اشاره کردند این است که فرهنگنامه یک کتاب ادبیات غیرداستانی است. یعنی خلاقیت خاصی در آن مشاهده می‌شود. آنجا که سرکار خانم گرگین می‌گویند گاه مقالات دیداکتیک و آموزشی می‌شود، دقیقاً یادآور این مسأله است که فرهنگنامه یک ویژگی هنری و ادبی دارد، همین ادبیات پویاست که فرهنگنامه را شاداب و سرپا ننگه می‌دارد. در مورد دو نکته که خانم عماد مکرر به آن‌ها اشاره داشتند، یعنی قدیمی بودن راهنمای نویسنده و ویراستار و صد و یک نکته باید گفت که آموزش‌های ما در فرهنگنامه مرتباً به‌روز می‌شوند و مطالب جدیدی به داشته‌های قبلی اضافه می‌شود. این خاصیت تغییر مداوم این مجال را به وجود نیاورده است که این دو کتاب تجدید چاپ بشوند. اما این اطمینان را می‌دهم که کارگاه‌های آموزشی ما در سال ۱۳۸۳ حاوی مطالب جدیدتر به همراه آن دو کتاب قبلی بوده است و شاید در زمینه این دو کتاب دست به تهیه یک کتاب الکترونیک بر اساس درخواست با خاصیت تغییرپذیری مستمر بزنیم.

**عماد خراسانی:** از جناب آقای مافی تقاضا دارم در مورد نحوه انتشار فرهنگنامه صحبت بفرمایند.  
**مافی:** حاصل تلاش «شورای کتاب کودک» و فرهنگنامه تاسیس مؤسسه‌ای به نام شرکت تهیه نشر فرهنگنامه (سهامی عام) بود. در ابتدا ما فکر می‌کردیم می‌توانیم کتاب را خودمان چاپ کنیم، ولی مرحوم استاد بیرشک گفتند که شرکتی را برای این منظور تشکیل دهید. این کار صورت گرفت و شرکتی با ۸ هزار سهم هزار تومانی در سال ۱۳۶۶ تشکیل شد. اکثر سهامداران آن هم از ناشران شناخته شده، به علاوه تعدادی از همکاران دوستان شورا بودند. طبعاً کار یک شرکت تک محصولی آن هم محصولی که با فاصله زمانی نسبتاً زیاد به ناشر تحویل می‌گردد آن نیست. به نظر من هر چه آشنایی جامعه با فرهنگنامه بیشتر بشود و کتابخانه‌های عمومی و مدارس به صورت خریداران منظم عمل کنند، تیراژ اثر بالا خواهد رفت، درآمد شرکت بیشتر خواهد شد و شرکت نقش مؤثرتری را در تامین نیازهای مالی مؤلف ایفا خواهد کرد. اکنون متأسفانه چنین نیست. البته شرکت به هیچ وجه ضرر نکرده است، ولی افزون بر دُیون خود به فرهنگنامه، برخی از مسؤولیت‌های واضح خود را نیز به دوش مؤلف گذاشته است، همانند نمونه خوانی نهایی متن، ارائه شکل نهایی تصاویر، ترویج و تبلیغ و غیره.

با توجه به آنچه در این جلسه گفته شد، واقعاً متأسفم که کاری به این عظمت و با این مقدار ایثار و از خودگذشتگی باید با چنین دشواری مالی صورت پذیرد. البته باید توجه داشت که نیاز بخش تألیف آثار مرجع همواره بیش از آن است که از عهده ناشر - آن هم ناشر ایرانی - برآید.

در این جا لازم است به نهادی به نام «دوستداران فرهنگنامه» اشاره کنم. این تشکل به همت همسر خانم معصومه سهراب (که خدایش رحمت کند) و دخترانم سوگند و سوگل در سال ۱۳۷۰ پایه‌ریزی شد و تاکنون بکار خود ادامه می‌دهد. دوستداران فرهنگنامه توانسته‌اند طی این سال‌ها با تشکیل نمایشگاه، برگزاری کنسرت و ترویج فرهنگنامه در میان فرهنگ دوستان داخل و خارج از کشور منابع مالی بخش تألیف را تا حدودی تامین کنند که نام این افراد با حق شناسی در صفحه سپاس فرهنگنامه آمده است. تشکیل «خانواده فرهنگنامه» نیز از ابتکارات همین گروه است. همیشه دعا می‌کنم که سرکار خانم میرهادی و سخت‌کوشان کنار ایشان به خاطر کمبود جا، امکانات کار و منابع مالی دچار یاس و خدای ناکرده شکست نشوند

**خسروی:**  
در بعضی از مدرسه‌ها  
دانش‌آموزان می‌گویند  
که کتاب وجود دارد، ولی  
نمی‌توانیم آن را به  
کلاس بیاوریم و از آن  
استفاده کنیم، به عبارت  
دیگر فرهنگنامه ابزار  
دست معلم و  
دانش‌آموزان نیست

و این‌که دولت ما بالاخره بیدار شود و مسؤولیت خود را در قبال حمایت از بخش تألیف این اثر بزرگ بشناسد. در حالی که فرهنگنامه ۲۰ میلیون مخاطب دارد، تیراژ ۵ تا ۱۰ هزار که به نسبت کتاب‌های معمولی زیاد به نظر می‌رسد برای فرهنگنامه بسیار ناچیز است. بسیاری از مدارس تهران و کل کشور فرهنگنامه را ندارند یا نمی‌شناسند و یا ندیده‌اند. مسؤولان آموزش و پرورش باید این را جزو وظیفه خود بدانند که اولین کتابی که باید وارد کتابخانه مدرسه شود کتاب‌های مرجع باشد. من روی صحبت‌م فقط فرهنگنامه نیست، کتاب‌های مرجع مورد نیاز معلمان و شاگردان است.

زمان ما، کسی که از معلم سؤال می‌کرد خیره‌سر و بی‌ادب شناخته می‌شد، ولی در حال حاضر بچه‌ها عادت کرده‌اند که بپرسند. معلم هم بحرالعلوم نیست، باید کتاب‌های مرجع در دسترس او باشد تا پاسخگوی دانش‌آموزان باشد. دولت، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید کمک‌کنند. مردم باید آگاه باشند. پدرها و مادرهایی که توان مالی دارند باید کتاب‌های مرجع را به کتابخانه‌های مدارس اهدا کنند. فعالیت جدی و مستمر در این زمینه‌ها نشده است.

یکی از وظایف شرکت جلب توجه نهادها، سازمان‌ها و افراد برای حمایت از فرهنگنامه است، که تا به حال این کار را انجام نداده است. اخیراً وزارت آموزش و پرورش هزار دوره فرهنگنامه را خریداری و در مدارس توزیع کرد. اما کافی نیست، ناچیز است و استمرار ندارد. با این حال ما از وضعیتی که در آموزش و پرورش بوجود آمده ناراضی نیستیم. یکی از کارهای بسیار ارزنده در شورا فرستادن دوستان ما به مدارس است که همت والا می‌کنند و به عنوان مروج در کلاس‌ها حضور پیدا می‌کنند. فقط صرف داشتن فرهنگنامه مهم و مراد ما نیست، بلکه نحوه استفاده از فرهنگنامه بسیار مهم است. این کار باید در سال‌های پیش انجام می‌شد، که انجام نشده است. در حال حاضر ما شروع کرده‌ایم، ولی حوزه کاری ما محدود است. این آموزش باید فراگیر باشد و در شهرستان‌ها هم صورت بگیرد.

**عماد خراسانی:** خانم خسروی لطفاً در مورد گروه ترویج که در فرهنگنامه تشکیل شده و هدف خود را راهیابی فرهنگنامه به مدارس و کتابخانه‌ها قرار داده است به طور مختصر توضیحی بفرمایید.

**حرفی:** منظور جناب آقای مافی این بود که جامعه تصور نکند که شرکت با این سرمایه این ۹ جلد را چاپ کرده است، زیرا ما می‌دانیم فرهنگنامه بسیار و بسیار بیش از اینها با کمک گرفتن از کار داوطلب و جاهای مختلف هزینه‌ها کرده است، که حتماً در جایی در فرهنگنامه ثبت شده است. این تصور سوء شاید منجر به ایجاد اشتباهی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در مورد فرهنگنامه بشود که جا دارد این تذکر کوتاه را عنوان نمایم. بنابراین این تصور پیش نیاید که با ۴ میلیون تومان (۴ میلیون تومان به خرید اختصاص یافت) می‌توان ۹ جلد فرهنگنامه به این عظمتی را با این ویژگی‌ها و مشخصات را چاپ کرد.

**خسروی:** برای باخبر شدن از مقبولیت و استقبال عمومی فرهنگنامه باید عرض کنم، در سال ۱۳۷۹ که ۶ جلد فرهنگنامه چاپ و منتشر شد و پژوهش دانش‌آموزی هم وارد مقوله آموزش و پرورش شده بود، فرهنگنامه پژوهشی برای بررسی میزان شناخت آموزش و پرورش و دانش‌آموزان از فرهنگنامه انجام داد. طی این پژوهش متوجه شدیم که شناخت آن‌ها از فرهنگنامه بسیار اندک است. بر این اساس عدم شناخت دانش‌آموزان از فرهنگنامه و عدم دسترسی آن‌ها به منابع مرجع برای تحقیق دلیل دیگری شد تا گروهی در فرهنگنامه تشکیل شود که با حضور در مدارس، دانش‌آموزان و معلمان را از نزدیک با فرهنگنامه آشنا کنند. از سال ۱۳۷۹ تا به حال، بیش از سی هزار دانش‌آموز و هزار معلم در ۱۲۰ مدرسه در سطح استان تهران با فرهنگنامه آشنا شده‌اند. البته این در مقابل چندین میلیون دانش‌آموز سراسر کشور بسیار ناچیز است. این

**انصاری:**  
**فضای درک اهمیت**  
**فرهنگنامه وسایر آثار مرجع**  
**رو به بهبود است**

کاری بود که گروه ترویج توانست انجام دهد تا دانش آموزان با فرهنگنامه از نزدیک آشنا شوند. پس از این آموزش و پرورش از فرهنگنامه خواست کارگاه‌های پژوهش دانش‌آموزی را در بعضی از مناطق برای سرگروه‌ها، معلمان و مدیران برگزار کند. بدین ترتیب روند معرفی فرهنگنامه به عنوان کتاب مرجعی که زبان ساده‌ای دارد و پاسخ‌های صحیح، قطعی و روان دارد رو به گسترش نهاد. پس از این فعالیت‌ها، تحقیقی را انجام دادیم تا باز خورد فعالیت‌های گروه ترویج را بدست آوریم. اطلاعات بدست آمده از همکاران گروه ترویج نشان داد که تا حد زیادی موفق بوده‌ایم. از جمله موارد مورد اشاره این که: دانش‌آموزان دوست ندارند گروه ترویج کتاب‌های مرجع را با خود ببرند، چون خیلی از مدرسه‌ها فرهنگنامه ندارند، بسیاری از مدارس هم که این کتاب را دارند همیشه در اختیار دانش‌آموزان نیست و یا خیلی از معلم‌ها از وجود آن اطلاعی ندارند. در بعضی از مدرسه‌ها هم دانش‌آموزان می‌گویند که کتاب وجود دارد، ولی نمی‌توانیم آن را به کلاس بیاوریم و از آن استفاده کنیم، به عبارت دیگر فرهنگنامه ابزار دست معلم و دانش‌آموزان نیست. در مقابل بچه‌هایی که با کتاب آشنا شدند و آن را خوب شناختند، سعی می‌کنند ارتباطشان را با آن قطع نکنند و خود آن دانش‌آموزان و معلمان بهترین مروج فرهنگنامه شده‌اند.

آموزش و پرورش هم هنگامی که به نقش فرهنگنامه در پژوهش‌های دانش‌آموزی و پاسخگویی آن به سؤالات دانش‌آموزان پی برد تا سال گذشته اقدام به تهیه ۲۰۰۰ دوره برای ۲۰۰۰ دبستان کرده است. آموزگاران و معلمان هم هنگامی که می‌دیدند که مدخل‌ها و مقاله‌های فرهنگنامه چقدر با مطالب درسی همخوانی دارد و دامنه پاسخگویی چقدر بالاست و زبان روان و قابل فهمی دارد و با وجود این که تا حرف خاصی از الفبا منتشر شده است، ولی به دلیل نمایه جلد پنجم بچه‌ها برای پیدا کردن سؤال‌هایشان تا آخرین حرف الفبا به آن مراجعه می‌کنند و در نهایت امکان دسترسی سریع و صحیح به اطلاعات در حد پایه دانش‌آموزان را دارد، فرهنگنامه به ابزار کارشان تبدیل شده و آن را به همکاران و معلمان دیگر توصیه می‌کردند. در مورد جامعه هم می‌توان به اشتیاق خانواده‌ها، در نمایشگاه بین‌المللی کتاب یا انجمن اولیا و مربیان و یا جلسات مشترک با والدین اشاره کرد. چون بارها از آن‌ها شنیده‌ایم که چقدر فرهنگنامه به سؤالاتی که برای خودشان و فرزندانشان به وجود می‌آید، پاسخ می‌دهد. خانواده‌ها چقدر از اطلاعات فرهنگنامه در زمینه ایران‌گردی و کلاً مطالب مربوط به ایران استفاده می‌کنند. در نمایشگاه‌ها خانواده‌ها همیشه به ما مراجعه می‌کردند یا با ما در تماس بودند و پی‌گیر جلد‌های جدید می‌شدند. از دانشجویان، متخصصان و کلاً بقیه جامعه هم همیشه شنیده‌ایم که از فرهنگنامه به عنوان یک کتاب مرجع عمومی خیلی خوب و مفید استفاده می‌کنند و پی‌گیر انتشار جلد‌های بعدی آن هستند.

**انصاری:** فضای درک اهمیت فرهنگنامه وسایر آثار مرجع رو به بهبود است، زیرا چند اتفاق خوب رخ داده است که عرض می‌کنم: یکی چاپ کتاب بسیار ارزشمند آقای دکتر حرّی و خانم دکتر نشاط با نام کتابخانه‌های آموزشگاهی در مدرسه کتابخانه - مدار است. این کتاب بسیار مهم است، زیرا آخرین نظریه‌های اطلاع‌رسانی با توجه به کودکان و نوجوانان در آن ارائه شده است و کتاب مرجع در جایگاه درست خود دیده شده و تعریف گردیده است و امیدوارم بر روند حضور فرهنگنامه در بستر آموزش و پرورش تأثیر بگذارد. دوم انتشار کتاب خانم قزل‌ایاغ است با نام ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن در این کتاب هم به کتاب‌های مرجع توجه شده و هم در فصلی خاص به ترویج پرداخته است. سوم کارگاه‌های آموزش کتابداری است که در شورا تشکیل شده است و دومین دوره‌اش در جریان است. طبعاً در هر کدام از این کارگاه‌ها بخش استفاده از فرهنگنامه و پیدا کردن راهکارهای استفاده بهتر از فرهنگنامه مطرح خواهد شد. چهارم شورا خانه کتابدار

کودک و نوجوان را افتتاح می‌کند در ساختمانی که برای مدت ۵ سال از سوی یک زوج خیر (خانم ملیحه پیشداد و آقای ایوب موحدی پور) در اختیار شورا گذاشته شده است. یکی از برنامه‌های «خانه کتابدار» همکاری با گروه‌های علاقه‌مند در زمینه ترویج کتابخوانی و آشنایی با فرهنگنامه خواهد بود تا از این طریق با همکاری معلم‌ها، اولیا و علاقه‌مندان خیلی دقیق و موردی‌تر با مراکز مختلف کار کنند. امیدوارم این مرکز به عنوان مکانی تجربی شکل بگیرد و با حضور کتابداران باتجربه پایگاهی برای ثبت این تجارب برای همکاری بهتر و گسترده‌تر در امر ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی در جامعه باشد.

**میرهادی:** نمی‌توان این جلسه را به پایان رساند بدون این‌که من به دو نکته اشاره نکنم، ابتدا تشکر می‌کنم از اساتیدی که با صحبت‌هایشان فکری جدیدی را برای کار در فرهنگنامه بوجود آوردند و در عین حال به نوعی ما را در جهت فعالیت‌های مان که باید خیلی دقیق‌تر، گسترده‌تر نسبت به پرورش نویسندگان در فرهنگنامه همت کنیم، هدایت کردند.

سپس نمی‌توانیم از فرهنگنامه صحبت کنیم و از نقش مردم در فرهنگنامه صحبتی به میان نیاوریم؛ ما همواره به این ملت بزرگ فکر می‌کنیم و حق مردم ایران را بسیار بیش از این‌ها می‌دانیم.

#### روند تألیف ۵ مقاله

۱. انتخاب موضوع / مدخل با تأیید شورای اجرایی و ارجاع مدخل به گروه تخصصی از سوی دبیر اجرایی،
۲. بررسی موضوع / مدخل در گروه تخصصی با توجه به طرح مقاله‌ها و سفارش مقاله از سوی سرپرست جلد به نویسنده،
۳. نگارش مقاله از سوی نویسنده،
۴. مطالعه مقاله در گروه تخصصی و ارائه پیشنهادها به نویسنده،
۵. اصلاح مقاله یا نگارش مجدد مقاله از سوی نویسنده،
۶. تدوین مقاله پایه به کمک گروه،
۷. مراحل بررسی مقاله:

الف - بررسی و اظهار نظر علمی

ب - بررسی و اظهار نظر ساختاری محتوایی

ج - بررسی و اظهار نظر مشاوران دبیر اجرایی

۸. ویرایش مقدماتی مقاله در گروه‌های تخصصی و زبان و بیان،

۹. ویرایش مقاله در شورای ویرایش نهایی (زبان و بیان)،

۱۰. بررسی جامع مقاله (متن، تصویر، نقشه، پانویس و غیره)،

۱۱. اعمال تغییرات لازم از سوی دبیر اجرایی قبل از تحویل به بخش آماده‌سازی،

۱۲. بررسی متن، تصویر، نقشه و پانویس پس از صفحه‌آرایی زیر نظر دبیر اجرایی.

منبع: شورای کتاب کودک

#### پانویس:

\* بخشی از دست‌نوشته مرحوم مرتضی اسعدی ۱۳۷۱.